



سال دوم - شماره ۶۸ پنجمین ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهای ۱۵ ریال

**نصرت از کشتار وحشیانه پیکارگران  
کمونیست ایرج ترابی و آذر مهرعلیان  
و ابا تظاهرات پر شکوه اول ماه مه  
پیوند رژیم**

**انقلابات  
نورزوا - دمکراتیک  
تزارینون**

درمزار صفحه ۱۷  
رفیق شهید آذر مهرعلیان  
"من آذرهای بسیار دارم  
که انتقام خونش را می گیرند"

**سرمقاله  
حمله وحشیانه**

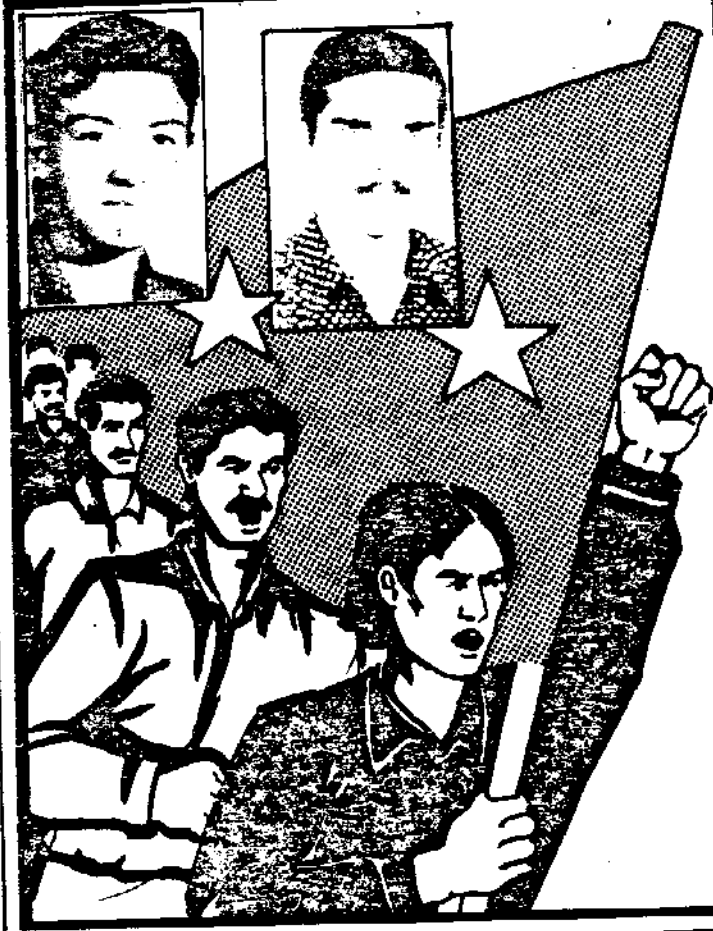
**مزدوران جمهوری اسلامی با نارنجک  
دو شهید و دهها زخمی برجای گذاشت**

کارگران ۱ زحمتکشان ۱ دانشجویان و دانش آموزان انقلابی  
دستان رژیم جمهوری اسلامی ، یکسال پس از کشتار وحشیانه  
اول اردیبهشت در دانشگاهها ، بخون دورقیق فداکار و مبارز  
ماآغشته شد . همین یکسال پیش ، اول اردیبهشت ۵۹  
بود که قداره پندان جمهوری اسلامی به دانشگاهها سرازیر  
شدند و تحت عنوان " انقلاب فرهنگی " به سرکوب انقلاب  
و تعطیل نمودن دانشگاهها بپردازند .  
یکسال پیش بود که مقاومت قهرمانانه دانشجویان بودایی  
آموزان کمونیست و انقلابی و زحمتکشان آگاه ، توسط رژیم حاکم  
بخون کشیده شد .  
صفحه درمفصل ۲

گزارشی از اردوی نوروزی صفحه ۱۱  
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - شرق تهران

نسل انقلاب صفحه ۱۳  
و تطهیر جنایات بنی صدر در سرکوب دانشگاه

قواچوان به اجساد و اواران ۱۴  
بمنار و ات یکساله ۶۰ ۵۹ راد و باره خون جگر می نیم ۱۴



**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱ سرفصله...

حزب جمهوری اسلامی، که توطئه سرکوش درنوا آیت کشف گردید و بنی صدر همین یکسال پیش بود که دانشگاهها را عرصه تاحث و تار خود کردند و روز حمله به دانشگاهها را "رور استقرار کمیست جمهوری اسلامی" نامیدند. (بنی صدر اول اردیبهشت ۵۹)

اما به بزرگت مقاومت قهرمانانسه و افشاگرانه دانشجویان کمونیست و انقلاب بی، و زحمتکشان آگاه، و نیز عمالیت تبلیغی و توسیعی وسیع آنان، بالاخره این توطئه ضدانقلاب فرهنگی افشا گردید. مردم که بارها وسالها دانشجویان انقلابی را در کنار خویش و مدافع خویش یافته بودند، بخریبی توانستند ماهیت این توطئه را دریابند از همبسترو است که سردمداران جمهوری اسلامی که تا چندماه پیش میگفتند "خطر دانشگاه، از بسب خوشهای بیشتر است" (آیتاله خمینی) حالا محبوره صحبت کردن از بازگناییسی دانشگاهها شده اند.

امسال در سالگرد اول اردیبهشت، روز مقاومت حماسه آفرین دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و شهادت بیشتر از ۲۵ دانشجوی کمونیست و انقلابی (رفقا شوشتری، دانیالی، مؤذن، حمید، طاهره حیاتی، محتدی، نظری و...) بمنظور گرامی داشت خاطره این قهرمانان و فرزندان راستین زحمتکشان و نیز بمنظور محکوم نمودن توطئه ضد انقلابی تعطیل دانشگاهها، اخراج استادان مبارز، حمله به خوابگاههای دانشجویی و... از سوی سازمان ما تظاهراتی در روز دوشنبه ۶۰/۱/۳۱ برگزار گردید. اوباشان جمهوری اسلامی که همواره در اطراف دانشگاه مشغول حمله به فروشندهگان نشریات انقلابی، ضرب و شتم آنان و حمله به کتابفروشی ها و... هستند، در حالیکه از صفوف عظیم و فشرده نظا هرکنندگان بوخت افتاده بودند، در ابتدا با سلبه های آهنی به صفوف نظا هرکنندگان حمله کردند. اما زمانی که این بوری و وحشیانه آنان توسط نظا هرکنندگان غشی گردید و به عقب رانده شدند، دست به آخرین تسلاش مذبحوانه شان برای از هم پاشاندن صف

نظا هرکنندگان نموده و با رنجک به صف نظا هرات حمله کردند. برنجک نارنجک در میان انبوه جمعیت، تعداد وسیعی از رفقای ما و توده های راکه در نظا هرات شرکت داشتند را محروح ساخت و دور فقی کمونیست مسارابه شهادت رسانید.

پس از این عمل جنایتکارانه و مدتی بعد از آنکه صف نظا هرات، انسان را متواری نمود و نظا هرکنندگان با خواندن سرود "ای شهیدان"، نظا هرات را به پایان رسانیدند، مزدوران ارتجاع به بیمارستانهای خمینی و شریعتی که زخمی ها در آن بستری بودند حمله ور شدند. ماشینهای کمیته و سیاه پاداران بی - شرمانه به دستگیری رفقای ما و بردمی که برای کمک رسانی به زخمیها در اطرف - افسیمارستان ایستاده بودند، پرداختند. حتی به این نیز فناحت نگردید و علیرغم منع ورود افراد مسلح به بیمارستانها، داخل "بیمارستان خمینی" حمله ور شده، ضرب و شتم مردمیکه در آنجا بودند پرداخته و حتی محروحینی که بر اثر صدمات انفجار رانار - نیک قدرت حرکت نداشتند را زدیده و با خود بردند.

آنها که حتی از پیکر بیجان شهاد ر وخت و هراس به سر بسپرد، برای آنکه



ندای سس جنایت سنگینان بدست مردم نبعتد، همچون رژیم مزدور شاه خاش احساد را زدیده و فرار میکنند. ابعاد جنایت آفدرو وسیع بود که نمای توده های که در آن محل بودند، این حرکت و حسیه را محکوم نموده و بدفاع از رفقای محروح و زخمی برخاستند.

مزدوران جمهوری اسلامی که نمیتوانستند در لباس واقعی خود، اسلحه های آمریکایی را بروی جمعیت تلیک کنند و از همبسترو در لباس نخعی، به این جنایت اقدام کردند پس از روبروسی با این روحیه انقلابی مردم، رنیلانه عنسوان نمودند که این بسب را خود نظا هرکنند - گان در میان خودشان متعمر کردند. فردان نیز مزدور نامه جمهوری اسلامی که تاکنون کاری جز دروغ و تحریف و لحن پراکنی نداشته است و همجنسین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بتکرار همین ارا حیف پرداختند. هنوز فراموش نکرده ایم که از هاری مزدور قسسل از نظا هراتهای میلیونی کارگران و زحمت کشان انقلابی و مبارزان زایشت را دیسو و تلویزیون ب مردم "هتدار" ا میداد که امروز عده ای میخواهند مرکب سرخ پدر جوی آب بریزند تا بگویند مردم شهید شده اند. آری ا هنوز یادمان نرفته که چگونه میکوشیدند تا پس از انفجار مسا - جدویا دیگر مکانهای محل تجمع مسردم، بلندگوهای دروغ و فریبشان بعدا در مسا - مدکه این کار خودشان بوده است تا مردم را علیه ما جمع کند و امروز نیز این تازه به قدرت رسیدگان که از احساد شهیدای انقلاب سکوی پرشی برای رسیدن خود بقدرت ساختند، بهمین زودی پادر جای پای مزدورانی چون از هاری میگذا - رند.

رژیم جمهوری اسلامی که دوماه پیش در آمل با پرتاب نارنجک به صف نظا هرات رفقای ما، رفیق طهماسبی، را به شهادت رسانید و دهها نفر را زخمی و محروح نمود، اکنون نیز بشیرمانسه به تکرار همان جنایت سنگین در تهران دست ز دو اکنون نیز بشیرمانسه میخواهد این لکه سنگ را از دایان خود پنهان نماید. رژیمیکه نه اولین و نه آخرین جنایتش بوده است، رژیمیکه در

# دیدار و مصاحبه با خانواده

## رفیق شهید آذر مهرعلیان



به یاد آن جوان سواد، رفیق شهید آذر مهرعلیان که در روز ۲۲ شهریورماه ۱۳۶۷ در جریان مبارزات فدائیان در تهران شهید شد. رفیق ما معنی بای صحبت‌های خانواده رفیق نستیم. هنگام زود بیخانه رفیق جالبتر از هر چیز برخورد مادر رفیق بود وقتی به او بظان نگاه می‌کردیمش تسلیم گفتیم. چهره محکم و برخورد قاطعی گفت: تسلیم لازم نیست. تسلیم یکم بگین... عکس شرح رفیق آذر در حالیکه ستاره سرخی در کنار آن میدرخشید بیسه دیوار نصب شده بود و در تمام طول مدتی که ما آنجا بودیم با چشم دوخته بود. با مادر رفیق صحبت کردیم و از او خواستیم که راجع به دوران کودکی "آذر" بگوید. مادر شروع کرد. قبل از هر چیز سنین کودکی "آذر" را با طراورد دوران را که در شرایط بسیار سخت زندگی میکردند و در فقر و تنگدستی شدید بسر میبردند. او گفت: آن زمان تو یکغوره خیلی کوچیک و محقر زندگی میکردیم. غونه‌ای که با دم‌سده در آب تیارش شوی تا قضا نیا زمینه و هروقت در را با زمی گرمی همیشه و می‌گه و ده که بر ما نبرخت من خودم در خانه یک خارجی کار میکردم و می‌میکردم در خرجی خانه کمکی برای پدر آذر باشم. شرایط بد زندگی ابتدا خودم و سپس آذر که کوچکترین بچه خانه بود را دچار بیماری کرد. آذره ماله بود که مبتلا به سل شد. دکترها مرض را خطرناک تشخیص داده بودند. گفته بودند که باید آذر را در شرایط سخت و بی پولی که ما بسر میبردیم امکان تا صین پول بیمارستان بر ایمان غیر ممکن بود. بهر حال با سختی بسیار آذر را در بیمارستان بستری کردیم. با دم هست روزیکه او را به بیمارستان میبردیم فقط ۵ ریال داخل کیفم داشتم و مجبور شدم به راننده تاکسی پول ندم.... واقعا مانده بودم که چکنم...؟ یا این شرایط من آذر و بقیه فرزندانم را بزرگ کردم.

باید بگویم که در آن دوران کودکی "آذر" را با طراورد دوران را که در شرایط بسیار سخت زندگی میکردند و در فقر و تنگدستی شدید بسر میبردند. او گفت: آن زمان تو یکغوره خیلی کوچیک و محقر زندگی میکردیم. غونه‌ای که با دم‌سده در آب تیارش شوی تا قضا نیا زمینه و هروقت در را با زمی گرمی همیشه و می‌گه و ده که بر ما نبرخت من خودم در خانه یک خارجی کار میکردم و می‌میکردم در خرجی خانه کمکی برای پدر آذر باشم. شرایط بد زندگی ابتدا خودم و سپس آذر که کوچکترین بچه خانه بود را دچار بیماری کرد. آذره ماله بود که مبتلا به سل شد. دکترها مرض را خطرناک تشخیص داده بودند. گفته بودند که باید آذر را در شرایط سخت و بی پولی که ما بسر میبردیم امکان تا صین پول بیمارستان بر ایمان غیر ممکن بود. بهر حال با سختی بسیار آذر را در بیمارستان بستری کردیم. با دم هست روزیکه او را به بیمارستان میبردیم فقط ۵ ریال داخل کیفم داشتم و مجبور شدم به راننده تاکسی پول ندم.... واقعا مانده بودم که چکنم...؟ یا این شرایط من آذر و بقیه فرزندانم را بزرگ کردم.

بیش را مثل مادری که بجهان را دوست دارد، علاقه داشت و با دقت و علاقه خاصی از آنها نگهداری و مواظبت میکرد. از باره شدن یک اعلامیه اش بیش از حد، ناراحت و عصبانی میشد. در ضمن آذره کمک مالی به سازمان اهمیت زیادی میداد. و از اینکه بتونه پول بعنوان کمک مالی به سازمان بدهد از شادی پدر می‌آورد. اصلا هم عید بهایش را برای کمک مالی به سازمان داد.

از مادر سابقه فعالیت سیاسی "آذر" را چه قبل از اینکه در "سازمان دانشجویان" آموزش بگیرد. وارد شود و چه بعد از آن جویا می‌شویم مادر در پاسخ میگوید آذر بخاطر اینکه بچه رنج کشیده‌ای بود خیلی زود به ظلم و ستمهای درون جامعه پی برده و بدنبال راه چاره بود. در جریان تظاهراتهای زمان شاه هم شرکت داشت. اما از یکسال پیش بود که هوادار سازمان بیکار شسته بود. چیزها شیکه در این مورد از او به خاطر دارم اینته که به سازمانش و راهش عشق می‌ورزید. آذر در دفاع از نظرات سیاسی اش با فشاری و اعتماد به نفس بسیاری داشت و اعلا دنباله رودیگر. ان نبود. آذر به نظریات و اعلامیه‌ها -

از مادر رفیق آذر راجع به فعالیت های او در مدرسه میپرسیم. میگوید: آذر دختر فعالی بود. تا آنجا که من میدونم در مدرسه خیلی فعالیت می‌کرد. با اینکه بعد از ظهری بود بیشتر صبحها برای رساندن اعلامیه و مطالبات نوشته شده اش به مدرسه میرفت. خودش صحبت میکرد که بکار روی دیوار مدرسه نمایشگاه و عکس و مطلب زیادی رسانده بوده. وقتی اشرافی مدیر مدرسه می‌آید و شروع به گفتن آنها میکند آذر مجددا پشت سر او مطالب را طرف دیگر عیاط نصب میکند. مدیر وقتی متوجه اینکار آذر شد از شدت عصبانیت داشت دیوانه میشد. بکار هم آذر را موقع رساندن

# زننده و جاوید یاد شهیدان خلق

اعلامیه گرفته و او را بدفتر برده و شهید به اخراج کرده بودند. ای آذر با حالت تعرضی مقابل مسئولین مدرسه ایستاده و با هل دادن مدیر از دفتر بیرون آمده بود. بعد از طرف مدرسه مراخواستند که من هم بمدرسه رفتم. مدیر و ناظم کلاس از آذر بخاطر فعالیتهای انقلابی من ناامیدند و بمن سفارش زیاده کردند که مواظب اوباشم! من هم گفتم باشه، مواظبش خواهم بود. اما من خید و خستم که فعالیت انقلابی آذر درست است و ادامه هم خواهد داشت.

یکی از عیبهای آذر این بود که زیاد درس نمیخواند و شاگرد زرنگی نبود. اما این او را از این مسئله خیلی ناراحت شده و تصمیم گرفته بود که بطور مرتب و خوب درس بخواند. دلیل آذر برای اینکار بسیار جالب بود. او میگفت: چون بچههایی که فعالیت سیاسی میکنند باید سرمشق زرنگی و تیزهوشی و انضباط باشند که سایر دانش آموزان فکر نکنند هر کس فعالیت سیاسی میکند باید تنبیل و درس نخوان باشد بهمین خاطر من تصمیم دارم برنامهایم را بطوری تنظیم کنم که بدرسم هم برسم. هر چند این درسهای ارتجاعی و مزخرف هستند ولی از این به بعد باید آنها را مرتب بخونم. مادر سپس ادامه میدهد که: آذر واقعا هم این او را اینکار را میکرد و در ضمن بیشتر شدن فعالیت سیاسی اش بدفتر هم بیشتر میرسد.

از مادر رفیق در مورد جریان شهادت آذر و اینکه کی مطلع شدند و چه مسائلی در جریان تحویل گرفتن جسد... بیشتر آیه بیژن میگفتم... مادر بدون کوچکترین اظهار ناراحتی و تأثیری در حالیکه سالی بعدش عمل کردهای سرکوبگرانه و قبیح رژیم را میخواند میگفت: با اینها و با طبیعت میگویند... بعد از جریان تظاهرات وقتی شب آذر به خانه نیامد من حدس زدم که او را دستگیر کرده اند. ناراحت شدم ولی فکر کردم دختر من هم مثل هزاران زندگی دیگر ضحاک دستگیر شده و خوب اشکالی ندارد

اما بعد شنیدم که عدهای هم در جریان تظاهرات بوسیله پرتاب نارنجک مجروح و کشته شده اند. صبح روز بعد... بیمارستان خمینی رفتم. تا این زمان حتی احتمال اینکه آذر مجروح شده باشد را هم نمیدادم. او را مادر یکی دیگر از رفقای پدر که بعد از تظاهرات بخانه زنگ زده بود را دیدم که بسیار ناراحت و نگران بود. با او صحبت کردم و سعی کردم به او قوت قلب بدهم. بالاخره از آنجا با ۴ نفر از مادرهایی که جلسه بیمارستان بودند برای شناسایی اجساد به پزشک قانونی رفتم. من شنیدم بودم که یک دختر کوچک پدر شهید شده اند در سردخانه اول جسد ۳ مرد را با نشان دادند که خوشبختانه پدر آن مادر نبود. اما مسئول سردخانه بعد گفت که یک جسد دختر هم دپوز آورده اند. ما همینطور خواستیم که او را هم ببینیم. وقتی برای دیدن جسد رفتم من روپوش سورمهای رنگی را که روی جسد دیدم یک لحظه بیکه خوردم. بیاد آذر افتادم. بعد وقتی روی جسد را کنار زدم دیدم جسد آذر بود. با تعجب گفتم: این دختر منم و بعد دوباره جسد را نگاه کردم. آذر را از علامت روی سینه اش که یادگار زمان بچگی اش بود که سل گرفته بود و جای ترکیدگی یک غده بسود شناختم من او را گریه نکردم. با این که من بچه هام رو خیلی دوست دارم. و مرکز نیتونستم تصورش را بکنم. کسم روزی مرگ فرزندان را ببینم اما اونجا چی میکردم. چیزی نمیگفتم. قوت قلب میدادم. واقعا قوی شده بودم. شهادت آذر بر من ام مثل شهادت مدها و هزاران شهید دیگر نبود. مسئول سردخانه اول چنین میگفت: اگر شلوغ کنی جسد را نمیدم. من فریاد گفتم و گفتم: جسد به چه درد من میخورد. جسد را بسوزانید. راه انقلابی آذر هم اینست که شما بکنید. جسد آذر را بعد از اینکه از پزشک قانونی بیرون آدم به آنطرف خیابان روبروی پارک شهر رفتم. حس میکردم باید در دفاع از آرمان فرزندان انقلابیم این جنایت رژیم را افشا کنم. بهمین خاطر بود که

شروع کردم با عدهای بلند به افشاکاری. با سرو عدهای من جمعیت زیادی دورمان حلقه زد. من فریاد میکشیدم و میگفتم میبینید... آزادی را میبینید بچه ۲۷ ساله من - دختر انقلابی من بخاطر اینکه در تظاهرات شرکت کرده و بر او پارتی شدن دانشگاه شعار داده با نارنجک شهید شده و... در همین صحنه دو نفر پاسدار سر رسیدند. آنها که تحمل افشاگری های مرا نداشتند خواستند جلوی مرا گرفته و مرا بزنند. جلوی من رفتم و گفتم بزن - بزن من ترسی ندارم. شما هر جنایتی میکنید. شما بچه انقلابی منو شهید کردین. اینهمه جنایت کردید. بذارین منو بزنه. من آماده ام. من براه انقلابی فرزندانم ایمن دارم.

از مادر رفیق آذر راجع به تبلیغات دروغین رژیم در مورد پرتاب نارنجک توسط خود کمونیستها در میان خودشان و همینطور راجع به شهید جمید کشتار رژیم سؤال کرده و نظرم را میپرسم. مادر میگوید: باید از اینها سؤال کرد آخر مگر ممکن است کنی داخل تظاهرات خودت نارنجک بیاندازد. تازه در این مملکت چطور است که در میان اینهمه نماز جمعه ها هیچ نارنجکی نیافتد اما در تظاهرات کمونیستها چنین فاجعه هایی اتفاق می افتد. باید به این سئوالها جواب بدهند چرا اینهمه دروغ میگویند. و سپس مادر ادامه میدهد: من اونروز تظاهرات را دیدم و نیتونستم در تظاهرات شرکت کنم اما مطمئنم که مثل همیشه در تظاهراتی شما کنار ایستادم. بچه های شما که در تظاهرات شرکت کردند و در میان جمعیت نارنجک انداختند. این دروغهای رژیم را هم باید افشا کنیم. همه ما باید اینکار را بکنیم!

از مادر میخواهم که در صورتیکه بتوانی برای رفقای آذر و همه کمونیستها و انقلابیون ما را مطلع کنی... مادر میگوید: من با اینکه نمیتونم بخونم و بنویسم. ( البته باغشده میگوید که آذر فرار بود تا باستان بیس خواندن و نوشتن یاد بدهد) ولی در زندگی بقیه در صفحه ۶

“نگ و نفرت بر حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها، عوامل کشتار اول اردیبهشت ۵۹”





بقیه از صفحه ۱۴ نیل انقلاب ...

در دانشگاه هموقع مناسبی باید پیدا کرد و دیگر اینکه وحدت رهبری نباید از دست بیفتد و دولت باید اینکار را بکند" (انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۱ - تاکیدات ازماست)

بنا بر این آقای بنی صدر انقلابی بنسب تنها مخالف خشونت نیست، نه تنها در فکر تعیین آزادیهای سیاسی نیست، نه تنها حمله بدقا تر احزاب سیاسی را عملی می داند انقلابی سمیاند، بلکه معتقدند برای اینکار باید "موقع مناسبی پیدا کرد" و طوری صورت بگیرد که "وحدت هیئات حاکمه از بین برود و دیگر اینکه "دولت باید اینکار را بکند". بنی صدر میخواهد با مطرح کردن نقش دولت، ابتکار عمل را از دست انجمنهای اسلامی بگیرد و جناح رقیب را بیرون بماند.

و اگر ما هدین خلق با زهم به نقش بنی صدر در جریان اشغال دانشگاه توهم داشته باشیم و بپنداریم که "ما" و "آزاد" "آلودگیها" پاک است و تنها این "حزب انصار" و طلب حاکم "بوده که بیورش بدان نگاه ها را سازمان داده است به نقل قول زیر توجه کنید: "وقتی در هدف وحدت و در روش اختلاف وجود دارد، روشی باید بکار گرفته شود که مسئولان منتخب و قانونی مردم پیشنها میکنند" بنی صدر - ۲۱ فروردین - تاکید ازماست

ما هدین خلق بسپند که چگونه بنی صدر با خلوص نیت و خالصانه اعلام میکند ما در هدف (سرکوب و کشتار در دانشگاه) بسپند "حزبها" همان حزب انصار و طلب حاکم ما هدین خلق (وحدت داریم تنها در روش کما و اختلاف وجود دارد، این اختلاف در چیست در این است که باید "مسئولان منتخب و قانونی مردم" که کسی حزبی مدرویان لیبرال" نیستند رهبری این تنها همرا بعهده بگیرند.

و اگر حافظه آقای رجوی و نویسندگان اطلاعیه اتحادیه انجمنهای ... و سلسل انقلاب یاری میکنند به یاد شان خواهد آمد که بنی صدر در رهبری شورای انقلاب که همپا لنگیهایش نیز در آن نفوذ دارند بنا مشورای انقلاب در فروردین اطلاعیه ای صادر میکنند که "دانشگاهها و دفاتر سیاسی باید در عرض سه روز سرچیده شوند". حال ما هدین خلق پاسخ دهند: آیا تنها "انصار و طلبان" ... اقدام بسپند

سرکوب دانشجویان انقلابی و تعطیلی دانشگاهها کرد؟

حال ما هدین خلق پاسخ دهند، بنی صدری که "حمله بدقا تر سیاسی" را "عمل انقلابی" قلمداد میکند چگونه در رهبری شورای انقلاب و کمک سارا "کیرال" دستور برچیدن دفاتر سیاسی را صادر میکند؟

آقای رجوی، اتحادیه انجمنهای دانش آموزان مسلمان و نشریه نسل انقلاب پاسخ دهند که چگونه بنی صدر که "آزاد" سیاسی را تضمین میکند "اعلام میدارد که در دو ماه گذشته بعد از فتح دانشگاه در آنجا سخنرانی خواهد نمود و چنین هم میکنند و سر اجساد شهدای بخون خفته دانشگاهها دمانه اعلام میدارد "امروز، روز حاکمیت شورای انقلاب میباشد".

آقای رجوی و نویسندگان اطلاعیه و نسل انقلاب پاسخ دهند: چگونه وقتی بنی صدر صحبت از "وحدت در هدف و اختلاف در روش" با "حزبها" میکند اینان ای مسئله را از چشم هوا داران خود دور نگاه داشته و او را "پاک" و "بیگناه" حاکم میزنند؟ ما هدین خلق بسپند بیستی به این سئوالات پاسخ دهند برای هواداران خود توضیح دهند که چگونه بنی صدر جلاد، که برجسلاهی خود معتقد است "انقلابی" میشود که چگونه (همانطور که آقای رجوی نیز در مقاله "خویش اعلام میکند) ما هدین خلق "بنا بر امرار" دست بسپند با کسی می بسپند که جلاد دانشجویان انقلابی و کمونیست و زحمتکشانی که بدفاع از دانشگاهها بسپند سنگر آزادی سرخاسته بودند، میباشد و دستش تا مرق بخون آبان آغشته است؟

بنا بر این چه نتیجه ای میگیریم: آقای رجوی، اتحادیه انجمنهای دانش آموزان مسلمان، نویسندگان نسل انقلاب بر اساس خط مشی لیبرالی ای که انتخاب کرده و روز بروز تعمیقش میبخشد برای توجیه سیاست سازشکارانه خود در جریان حمله مفاومت و بیگار اول اردیبهشت، و خالی کردن محنه کارزار با دشمن اینک به چنین تخیلهایی دست یافته اند. و این تخیلهایی و سیاستها برگردام انحراف ما هدین خلق استوار است؟

همانطور که گفتیم و نشان دادیم ما هدین خلق از آنجا شکه درکی صحیح از قدرت سیاسی حاکم ندارند، از آنجا شکه هنوز

نقبت به حاکمی از آن (لیبرالها) دچار توهم بوده و چنین بسپند از آنکه متوانند با "خلق بد" از "حزب" جمهوری اسلامی و بسا کمک "لیبرالها" انقلاب را به پایسان رسانند، از آنجا شکه در راه فرمیسم "لیبرالها" افتاده و بر سر چنین سیاستی تا کتیکهای خود را اتخاذ میکنند لاجرم اگر بخود بسپند، اگر منافع انقلاب و خوده ها را در پیش روی خود قرار ندهند عاقبتی جز به زانده بورژوازی مبدل شدن ندارند.

بقیه از صفحه ۴ صحابه ...

در گذشته ام . بسپند معنی رنج و بد - بخشی و ستم چیست . من همه انقلابیون را واقعا دوست دارم . فرزنده شهیدم را هم همینطور . من میخواهم راه فرزندهم را ادامه بدم . من بخون شهیدم به خون آذرم سوگند خوردم که راهش را ادامه بدم . گریه هم نمیکند . خیلی هم خوشحالم که بچهام در این راه شهید شده . فقط یک چیز را دوست دارم اینکه چون بچه های انقلابی ما هنوز خیلی کوچک و جوان هستند خیلی دوست دارم که ما بدرود ما درها هم همه مون با او تنها همرا بشیم . در نظراتها شون شرکت کنیم و نداریم فقط بچه های جوان ما کشته بشن بلکه خودمان هم با او تنها باشیم ... در همین حین پدر رفیق آذرم جمع ما میآید . او نیز در حالیکه از روحیه بسیار خوبی برخوردار است میگوید : هر انقلاب و نهضتی احتیاج به شهید دارد . ما هم فعلا یک شهید داده ایم . اشکالی ندارد در راه انقلاب باید شهید داد . اما من یک خواسته ای از سازمانهای انقلابی دارم که در برنامه هاشان سعی کنند برنامه ای بسپند که کمتر ضربه بخورند و بیشتر افتخاری کنند و موفق شوند ... صفحات محدود نشریه دیگر بسپند اجازه نمیدهد که به محبتهايمان با خانواده رفیق آذر ادامه دهیم . بسپند خاطر دسته گل کوچک هدیه "۱۳ آبان" را به خانواده مبارز رفیق آذر تقدیم میکنیم و با غرور و افتخار به چنین شهیدانسی و چنین خانواده های انقلابی و نهی بسپند بروری از آنها خدا حافظی کرده و خانه را ترک میکنیم .

# انقلابات بورژوا-دمکراتیک طراز نوین



مصاد. اینها ، انقلابات بورژوا-دموکراتیک از طراز کهن محسوب میشوند . اما در دوران امپریالیسم ، با پایان رتوشکوفایی سرمایه داری و فرار سپیدن کنندگی وزوال آن وضع تغییر کرد . دیگر بورژوازی در مقیاس جهانی از طبقه‌ای مترقی به طبقه‌ای ارتجاعی بدل گشته بود . شیوه تولید سرمایه داری نیز دیگر به مانی تاریخی در سراز رشد نیروهای مولده بدل گشته و تنها شیوه تولیدی بالنده که به نیروهای مولده امکان رشد و گسترش میداد ، سوسیالیسم بود . روانشناسی سرمایه داری به زنجیری دریای نیروهای مولده بسدل گشته و بهمین دلیل امر انقلاب اجتماعی پرولتاریا بطور مشخص در دستور کار قرار میگرفت . بهمین دلیل نیز بود که لنین عمر ما را عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاری و امپریالیسم را آستان انقلاب سوسیالیستی ارزیابی میکرد . لیکن امپریالیسم و عبارت دیگر سرمایه مالی ، شام جهان را بنده سادت خود در میآورد . این یک خلعت اساسی امپریالیسم است و از آن نتیجه میشود که امپریالیسم تمامی خلقهای جهان را چه در کشورهای متوالی و .... بزیر سطح خود میکند . بهمین دلیل نیز امپریالیسم به دشمن اصلی تمامی خلقهای جهان بدل میگردد .

اگر در دوران سابق ، مبارزه بر علیه ارتجاع حاکم بر اروپا ، یعنی فئودالیسم ، مبارزه‌ای بود در راه رشد

دمکراتیک خلق ، دولتی است با سبک سوسیالیستی . این چهار محور در حقیقت اصلی ترین و هوه مشخصه انقلابات دمکراتیک طراز نوین بشمار میروند که ما در اینجا به توضیح آنها میپردازیم .

## ۱- انقلابات بورژوا-دموکراتیک در عصر امپریالیسم ، جزو لاینفک انقلاب جهانی پرولتاریائی است

همانطور که میدانیم سرمایه داری از ابتدای قرن بیستم وارد مرحله امپریالیسم گردید . سرمایه داری در



دوران رشد ، شکوفایی و بالندگی اش ، پدیده‌ای مترقی حساب میآید . در آن دوران ، انقلابات بورژوا - دمکراتیک بخشی از انقلابات بورژوایی حساب میآمدند و نیروی ذخیره بورژوازی محسوب میشدند . در آن زمان ، رهبری انقلابات بعهد بورژواری را مستتر ساخت و در زیر سایه سرمایه داری را آزادانه رشد و توسعه

با فرارسیدن عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاری ، رهبران پرولتاریا با جمعبندی از اوضاع نوین ، نتایج بسیاری اخذ نمودند که یکی از آنها مربوط به انقلابات بورژوا - دموکراتیک در عصر امپریالیسم و تفاوتهای آن با انقلابات سابق بورژوا - دموکراتیک بود . آنها این انقلابات را از انقلابات کهن جدا کرده و خصویات نوین آنها را شرح نمودند . آنها نشان دادند که در این دوران انقلابات دموکراتیک بخشی از انقلاب جهانی پرولتاری بشمار میروند و نه بخشی از انقلابات بورژوایی . آنها نشان دادند که این انقلابات و طایفه متفاوتی نسبت به انقلابات طراز کهن ، چه در زیر بنای اقتصادی جامعه و چه در روبنای سیاسی آن بعهد دارند آنان نشان دادند که پرولتاریا تنها نیروی است که میتواند این انقلابات را به پیروزی نهایی رهنمون گردد و ... از آنجا که هم اینکه در جنبش کمونیستی ایران ، در باب این مسئله اختلاف نظرات مهمی وجود دارد و بحثهای مختلفی ارائه شده است ، ما در این مقاله سعی خواهیم کرد که خطوط عمده خصویات نوین این انقلابات را آنجا که نکه توسط آموزگاران پرولتاریا طرح گشته است - به اختصار تمام بشکافیم . ما این مسئله را در چهار محور توضیح خواهیم داد : ۱ - انقلابات بورژوا - دموکراتیک در عصر امپریالیسم ، جزو لاینفک انقلاب جهانی پرولتاریا پیوسته است - ۲ - درهم تگستن دستگاه دولتی نخستین وظیفه انقلابات بورژوا - دموکراتیک در عصر امپریالیسم است - ۳ - دولت محصول انقلاب دموکراتیک پیروزمند در عصر امپریالیسم ، عبارتست از دیکتاتور پرولتاری و ۴ - دولت جمهوری

# برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بورژوازی ، اما در این دوران ، هر مبارزه انقلابی در کشورهای تحت سلطه ، مبارزهای است که به امپریالیسم یعنی به بورژوازی بین المللی و سرمایه مالی ، یعنی به ارتجاع اصلی حاکم بر جهان ضربه وارد می آورد و آن را تضعیف میکند این مبارزه در عین حال کشورهای سوسیالیستی را تقویت میکند و به مبارزات طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی کمک میرساند . به این دلیل ، انقلابات بورژوا - دمکراتیک در عصر امپریالیسم هر چند از لحاظ خلعت اجتماعی - اقتصادی خود هنوز بورژوازی است و وظیفه برقراری سوسیالیسم را به عهده ندارد ، لیکن درجه انقلاب جهانی پرولتاریائی میبندد و دیگری نه اردوی بورژوازی خلق ندارد . به این دلیل است که این انقلابات بورژوا - دمکراتیک دیگر ذخیره بورژوازی بحساب نیامده ، بلکه ذخیره پرولتاریا محسوب میشوند . روشن است که در یک چنین صورتی ، رهبری این انقلابات دیگر نمیتواند بعهده بورژوازی بوده ، بلکه وظیفه و ریالت تاریخی پرولتاریاست و فقط پرولتاریا میتواند این انقلابات را پیگیرانه و تا به آخر به پیروزی قطعی رسانده و پس از انقلاب سوسیالیستی را به انجام رساند . در عین صورت بورژوازی و خرده بورژوازی این انقلابات را به شکست خواهند کشاند لنین خود در سال ۱۹۱۶ در اینباره چنین نوشت :

" تمام مطالبات گوناگون دموکراسی و از جمله حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را امر مطلق نیست بلکه جزئی است از مجموعه جنبش دمکراتیک ( امروزه سوسیالیستی ) جهانی ( لنین ) تراژدی مباحثه ای بیامون حق ملل در تعیین سرنوشت خویش - صفحه ۳۸ - تاکیدات و پراختز از خود لنین است ) . وی سپس نیز میافزاید :

" اکنون - ما علیه جنبه متحد شده قدرتهای امپریالیستی ، بورژوازی امپریالیستی ، و سوسیال امپریالیستها بوده موافق با استفاده از کلیه جنبشها - ی ملی که مستگیری ضد امپریالیستی دارند بنفع انقلاب سوسیالیستی می -

باشیم " ( همانجا - صفحه ۴۱ - ۴۰ ) اسالین نیز در ایسورد مکتوبد : " مسئله ملی قسمی از مسئله عمومی انقلاب پرولتاریا ، قسمی از مسئله دیکتاتوری پرولتاریاست " . ( اصول لنینیم - صفحه ۸۳ ) اما از این نکته نیز که انقلابات دمکراتیک بخشی از انقلابات پرولتاری اند ، بوضوح نتیجه میشود که جمهوری های دمکراتیک خلق در عصر ما نیز بخشی از اردوگاه سوسیالیسم را تشکیل میدهند و در خارج از اردوگاه امپریالیسم وبدون وابستگی به آن بر میسرند . یعنی اینکه جمهوری های دمکراتیک خلق ، وابستگی به اردوگاه امپریالیسم را ازین برده ، مستقل از آن و در جنبه جهانی انقلاب و سوسیالیسم قرار میگیرند .

اینجاست که جنبه ای از انحراف نظریه هایی که زیر سای جمهوری دمکراتیک خلق راهمچنان سرمایه داری وابسته ارزیابی نموده و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته را از دستور کار انقلاب دمکراتیک ایران خارج مینمایند ، روشن میگردد . " اتحاد سازان کمونیست " هم اینک بر چمدار این نظریه است . بر طبق این دیدگاه انقلاب دمکراتیک ایران ، زهرینای اقتصادی یعنی سیستم سرمایه داری وابسته را نابود نخواهد کرد ، بلکه این زیر بنا در جامعه جمهوری دمکراتیک خلق نیز باقی مانده و اساس اقتصاد آنرا تشکیل میدهد روشن است که چنین نظریه ای که جمهوری دمکراتیک خلق را از نظر اقتصادی وابسته به اردوگاه امپریالیسم میداند ، نمی تواند آنرا بخشی از اردوی سوسیالیسم و مستقل از امپریالیسم بحساب آورد و در نتیجه نمیتواند انقلاب دمکراتیک ایران را بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی بداند . واضح است که این نظریات جزیه سود بورژوازی و امپریالیسم تمام نخواهد شد .

**به یاد رفقای شهید ایرج قربانی و آذر مهر علیان**

رفقای ای پیشا هکان رحمتگان که در دستی گرفته بر جرم رخ کارگر و در دستی سلاج رهائی را ، کمونیم یادگان خونین یاد شما افتخار رحمتگانست ستاره بر سر در قلب رفقا شید ، که هر روز با بسته های پیام ، اعلامیه ها شان به نوده ها میدهند آری رفقای پاره تن سرمایه بیرحم است اما کمونیستها بیرحم تر سرمایه داران نده ، فائده زمانه و نگار چه گسترده و عمیق است و ما با غرور بر سر یکیم این پره را از رفقایمان با خاکستردان بی آنکه لحظه ای از فکر سوسیالیسم غافل گردیم آری رفیق ایرج ، با ورم رفیق آذر ستاره ای گشته اید در آسمان که سن شب و روز ، سوومیکنید و یاران شان هرگز آرام نخواهند گرفت رفقایمان میگردانان را با میان نوده ها اینرا از رهبران آموخته اند سنگفرش خیابان انقلاب از خونتان سخن بسته است ، زنده باد کارگر - مرگ بر ارتجاع . می درخشید در لحظه ای که نوده ها آرام آرام میسازند انقلاب سرخ فردا را در لحظه ای که تدارک میبینند جمهوری دمکراتیک خلق را سوسیالان آواز رهائی است در میان نوده ها پیام امید است به زحمتگان بر خرویش



ادامه دارد

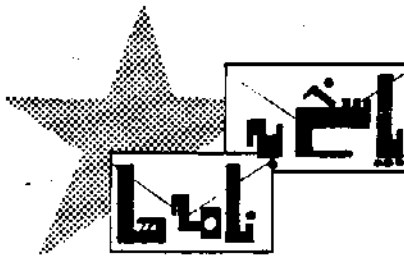
★ ★ ★



رفیق علی

رفیق علی در رابطه با اعلامیه‌ای به‌عنوان "اژنظر سردمداران انقلاب فر-هنگی، تربیت پرزنگ برای روستاها" ضروری است و نه عملی "انتقاداتی نوشته است. رفیق مطرح میکند که "فقدان بهداشت و... تنها یکی از مظاهر فقر است، علت آن هم این نیست که دکتر کم است... بلکه ریشه این مسائل در نظام سرمایه‌داری است" و سپس رفیق مطرح میکند که "شما غفلت پدیده فقدان بهداشت و امکانات بهداشتی در روستا را کمبود کمتر توضیح میدهید" و مطرح میکند که این مسئله با مواضع سازمان پیکار و سازمان دانش‌جویان و دانش‌آموزان پیکار و تفکرات دارد.

رفیق همانگونه که خودت نیز گفته‌ای ونگاهی به مقالاتی که بویژه در "آبان" در رابطه با نقد نظرات اپورتو-



ایجاد کنیم که پزشکان آن در روستاها به درد مردم برسند و آزوسی دیگر مطلبی را که در تراکت مشاهده میکنی بیان میکند. بنابراین تاکید تراکت بر این نیست که چو دانشگاهها را باز نمیکند تا برای هر روستایک پزشک تو - بیت شود.

رفیق F - رشت

پیشنهادات در مورد مجله‌ای با عنوان "آموزش هنر پرولتری" رسید. در چند توانمان سکوشیم تا اینکار را انجام دهیم. رفیق خ... ش. آواره خورستانی طرح زیبایت که بمناسبت روز جهانی کارگر کشیده بودی رسید. پیروز باشی. رفیق "مالا" از ازنلی. شعرهای انقلابیت رسید. از آنها در نشریه‌مان استفاده خواهیم کرد. پیروز باشی بقیه در صفحه ۱۹

نیستی "راه کارگر" در مورد بازگشایی دانشگاهها نوشته شده است. بخوبی نشان میدهد که مدارس و تربیتی را که در دانشگاههای شما می‌کشورهای سرمایه‌داری ارتجاعی صورت میگیرد جز در خدمت پرورش "آچار"هایی برای سرمایه‌داری وابسته نمیباشد. مطلبی که در تراکت بر آن تاکید شده است بخدا. بین گفته‌های مختلف رژیم در مورد "ضرورت عدالت انقلاب فرهنگی" میباشد. آنها از طرفی در بوق و کرناهی تبلیغاتشان دمیده‌اند که این دانشگاه در خدمت مردم نیست و باید دانشگاهی

مکسهای از مقاومت قهرمانان -  
 هوا داران مجاهدین در برابر یورش با -  
 سداران و مزدوران جمهوری اسلامی !



کشتار و حشیانه دو مجاهد خلق  
 و زخمی شدن دهها نفر که ننگ  
 دیگری بر دامن  
 رژیم جمهوری اسلامی

# گزارشی از اردوی نوروزی سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار

## شرق تهران

### روز اول

توبیخ در ساعت ۶/۱۵ دقیقه صبح روز پنج شنبه ۶۸/۱۶ به راه افتاد. در بین راه رفقا با نظم خاصی سرود میخواندند و با این سرود خواندن که اکثر رفقا ترکست داشتند وجه جمعی را تقویت کرده و سعی در کنشیدن رفقای که منحوی از کار جمعی کنار میگریفتند میکردند. حدود ساعت بعدی محل رسیدیم و پیاپی ده شدیم. از یک پل عبور کرده و به آن طرف رودخانه رفتیم. مدتی در محل ماندیم و برنا به ترمین اجرا شد. نیم ساعت بعد از آن محل حرکت کرده و وارد جنگل شدیم. در بین راه هر دو میخواندیم با خوردن نانها رگولهها را جمع آوری کرده و به راهمان ادامه دادیم. رفقا در بین راه به با در فضای در بین سرود زندانی را خواندند تا آن بی اختیار به فکر فرو میرفت و به با در فضای کمونیست و انقلابی که در بین رژیم جمهوری اسلامی گرفتارند و پیاپی دتودههایی که در زندانی بزرگتر، زندان جامع سرما به داری گرفتار هستند. به قله رسیدیم و مجدداً برای گرم کردن خودمان نرمش کردیم و دو سه بار راه افتادیم. ساعت بعد از ظهر به معوطه نسبتاً بازی رسیدیم که در وسط آن یک کلبه بزرگ ساخته شده بود و در نزدیکی کلبه چشمه آبی وجود داشت. قراغدها آنجا اطراق کنیم. رفقا همگی به صف شده و رفیق سرپرست با اعلام یک دقیقه سکوت به با در فضای شهید به اردو رسمیت بخشید. بعد از سرود انترناسیونال را خواندیم و رفیق سرپرست تقسیم کار را شرح داد. تقسیم کار بر اهل سیستمها گوزیکی بود. رفقا به هر واحد تقسیم شده و هر واحد یک فرمانده داشت. هر کدام از واحدها با شماره مشخص شده بودند و در هر روز یک مسئولیت مشخص داشتند به طور مثال در روز اول واحد

۱ غذا درست میکرد. واحد ۲ همیز جمع کرده و آتش درست میکرد. واحد ۳ مسئول تهیه آب آتروز بود. واحد ۴ تمیز کردن کلبه و نظم بخشیدن به آن را داشت و واحد ۵ مسئول تهیه شام بود. این تقسیم هر روز عوض میشد بطوریکه هر واحد در مدت ۳ روز اردو در اکثر کارها شرکت داشت که این تقسیم میتواند دستاوردهای زیادی برای رفقا داشته باشد. فرماندهی اردو توسط شورای فرماندهان که در رأس آن رفیق سرپرست قرار داشت اداره میشد. هر کدام از واحدها هر روز یک جمع بندی از کارهای آنروز خود میکرد و بعد در جلسه عمومی اردو که شب برگزار میشد فرماندهان

اولین سرود اردو : کارگران سرما جوانان انترناسیونال

نظارت بر سائنه ای اجرا شد. اسم ما بسامه انواع فلفل بود. این سائنه نشان میداد که در جا معمر ما به دان چه نوع فلفلی حاضر است و چه نوع فلفلی محکوم و به خصوص نسل هر روز کارگران در سر جرح ماتین های سرما به داری را بخوبی نشان میداد. بعد از شام شدن نظارت سمدت نیم ساعت طول آن بعد شد. رفقای مسئول جمع آوری همیزم آتشی بر آروخته و همگی به دور آن تقسیم سرود خواندیم. هوا تا یک نده بود و معوطه را سطله های بلند آتشی روشن میکرد. صدای سرود در فضا طنین انداخته بود: " ... یادیاران کسم رنده در جان توده ها را دهیم بارمان یکت و یکمدا بیز کرنا کارکنه نیرنا زوان ... " رفقا با زوبه ما زو سرود خوان با ایستادن به توده ها با دیا را نشان را زنده میکردند. چه زیبا سرودی و چه زیبا آتشی بر پا بود. سطله های آتشی کینه به دشمن طبقا تسی را بیشتر میکرد. شامها فرزند. رفقا بعد از شام مجدداً به دور آتشی جمع شده و دوباره به سرود خواندن



برداشتند. در ساعت یک ربع به ۹ جلسه انتقادی شروع شد. فرمانده هر اکسب مسائلش را مطرح کرده و جمع بندی خود را از کار اکسب میداد سپس انتقادات واحد خود را گفته و بطور جمعی به آنها برخورد میشد.

واحدها جمع بندی کار خود را مطرح کرده و جمع به آن برخورد میکرد. در جلسات سعی میشد اشتباهات ریشه یابی شده و حول آن بحث شود. تقسیم کار تا ساعت ۶ تمام شد. تمام واحدها در رأس ساعت در جلوی کلبه حضور بهم رساندند. از طرف رفقای



# مراسم بزرگداشت اول اردیبهشت

## دبیرستان حوریه یازگان - تبریز

تدارکگ سونات امروز را از چند روز قبل دیده بودیم و با تشکیل کمیته هماهنگی مشکل از بیکار، اقلیت، راه کارگر مراسم را مشترکاً برگزار میکردیم. روز اول اردیبهشت زنگ تفریح در حیاط مدرسه جمع شدیم و پلاکاردها و بزرگ سوسپها و پارچهای که یکی از شهدا و یک شعار از زمان روی آن نوشته شده بود نصب کردیم.

بلافاصله بچه های مدرسه دور ما حلقه زدند. مراسم با سرود " شهیدان " شروع شد. دانش آموزان هم همراهی میکردند این سرود با خواندن سایر گروهها انتخاب شده بود. بعد بیانیه مشترکی را که ۳ گروه مدرسه با هم داده بودند خوانده شد. قرار بود قسمت بعدی برنامه خواندن بیانیه سازمان باشد که چون وقت نبود وبه تقاعای دانش آموزان برای اجرای مجدد سرود شهیدان این سرود را خواندیم. با خواندن سرود شهیدان برنامه به پایان رسید. اجرای برنامه تا شیر خوبی بر روی دانش آموزان داشت. انجمن اسلامی مدرسه سعی میکرد در آخر برنامه را تلویغ کند اما نتوانست.

دیگر کاری از دستش ساخته نیست یک دفعه " غش " میکند که با آمبولانس اورا از مدرسه خارج میکند، در اطراف مدرسه را افراد شهربانی و گروه مزدور " مشیت " مستقر میشوند و هر آن مترصدند تا بدورن مدرسه هجوم ببرند که بسا هوشیاری دانش آموزان مبارزان بی خطه خشی میشود. در درگیری های اینروز مدرسه گروه زیادی از دانش آموزان مورد ضرب و شتم قرار میگيرند. لازم به توضیح است که در اینروز فقط رفقای هوادار بیکار، برای بزرگداشت مراسم سالگرد اول اردیبهشت برنامه برای اجرا داشتند. ■

بهبست در مدرسه، عوامل انجمن اسلامی به آنها یورش آورده و شروع به بیاره کرده یورشها میکنند که با اعتراض جمع کثیری از دانش آموزان قسار میگيرند. در روز سه شنبه فالانزها بهمراهی بوده ای ها و اکثریتی ها که از قبل میدانستند در این روز نیروهای انقلابی برنامه هائی دارند گوش بزنگ بوده تا به مقابله برخیزند و به همین علت پس از اینکه رفقای هوادار بیکار نمايشگاه روز مقاومت دانشجو را نصب میکنند از طرف فالانزها مورد هجوم قرار میگيرند که بدلیل مقاومت گروهی از دانش آموزان نمیتوانند نمايشگاه را پاره کنند. از این لحظه به بعد مدرسه شاهد درگیری های بی دریغی بین مدیران و عوامل انجمن اسلامی و توده ای ها از یکطرف و دانش آموزان انقلابی از طرف دیگر میشود. رفقای هوادار بیکار نیز به شکلهای مختلف دست به افشاکاری میزنند از همان لحظات اول در سطح وسیعی شروع به پخش اعلامیه میکنند و در هر فرصتی شروع به بحث میکنند. فالانزها که ومع راه لحظه خراسترا از لحظه پیش میبینند، بهرکاری دست میزنند از تفتیش بدنی گرفته تا کتک زدن دانش آموزان انقلابی و ... غیره. در تمامی این لحظات ناظم مرتجع مدرسه (نجوسی) با بلیدگو به تحریک فالانزها مشغول بود و وقیحانه از پشت میکروفون خود دستورات ارتجاعی خود را صادر میکرد یکی از دانش آموزان که مشغول گرفتن عکس از جریان درگیری ها بوده است به دستور همین ناظم مورد یورش قرار میگيرد و در نتیجه هم فیلم وهم دوربین عکاسی خود را از دست میدهد. رفقا همچنان ادا به میدهند و با فریاد رسا سرود " برپا خیز " و بدینال آن شعار توک بر ارتجاع و " این سند جنایت ارتجاع است " را میدادند. در این لحظات گروهی از دانش آموزان دبیرستان آل احمد که با این دبیرستان هموار است، از دیوار بالا کشیده و با شمار دادن از دانش آموزان انقلابی پشتیبانی میکنند. مدیر مدرسه تعداد زیادی از دانش آموزان را بجرم داشتن نشریه و اعلامیه و ... بدفتر مدرسه فرا میخواند. ناظم مدرسه که

بقیه از صفحه ۲۰ آذر...

آذر گلباران شد. برنامه با خواندن قطعه شعری که یکی از رفقای آذربخاطر شهادت دو رفیق کمونیست شهید آذر مهر علیان و ایرج تراسی سروده بود و با خواندن دسته جمعی یک سرود انقلابی به پایان رسید و دانش آموزان با قلبی که عشق به " آذر " در آن نهفته بود متفرق شدند.

در طول برنامه مدیران ناظم با کمک انجمن اسلامیها سعی میکردند برنامه ها بی برهه بیانند از تکه مراسم را بهم بریزند و برای تاخیر این هدفشان برنامه ای تحت عنوان " فضای ضد انقلاب در کردستان " برآوردند و علیه نیروهای انقلابی و کمونیست سمپاشی میکردند. اما عملکردهای مذبحا به آنها هیچ تاخیری نگذاشت و برنامه بزرگداشت رفیق آذر خوبی برگزار شد.

آذر مهر علیان بیکار رگهرمان  
قسم بخون پاکت راحت ادا ما  
دارد  
زنده و جا ویدید با دهاد شهیدان ما

\* \* \*

## گزارش بزرگداشت اول اردیبهشت در

### دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی (گرمشاه)

رفقای هوادار سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار برای برگزاری مراسم روز مقاومت دانشجو برنامه وسیعی شامل مقاله خوانی و نصب پلاکسماره پارچه ای و مقواشی، پوستر شهدا، نمايشگاه و پخش اعلامیه و پوستر را در دستور کار خود قرار داده بودند و به همین جهت از صبح همین روز و با ناظم باجبرای برنامه های خود وارد مدرسه میشوند. لازم بتوضیح است که از چند روز قبل بومدرسه اعلامیه هائی در رابطه با این روز در مدرسه پخش شده و حتی در روز دو-شنبه پس از نصب پوسترهای اول ارد -

### گزارشی از

## مراسم بزرگداشت اول اردیبهشت ۶۰ و ۵۹

بزرگداشت راه زندان (خیابان شریعتی)

در روز اول اردیبهشت، بنا بر تصمیم قبلی همراه با رفقای اقلیت در محفل بساط گذاری کتاب و نشریات در خیابان شریعتی - بساط راه زندان بمناسبت بزرگداشت خاطره مقاومت حماسه آفرین دانشجویان انقلابی و همچنین بزرگداشت یادشدهای قهرمان این روز مراسم مشترک کی برگزار نمودیم. این مراسم ابتدا با چند شعار در رابطه با اول اردیبهشت از جمله "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بر دامن ارتجاع" شروع شد که این مسئله باعث جلب توجه بیشتری از مردم به مراسم گشت، ضمن آنکه قلمنا نیز بساط گرفتن پلاکارد در خیابان ساعت برگزاری مراسم را به اطلاع مردم رسانده بودیم. سپس مراسم با سرود "سنگ آزادی" که به یاد نگر حماسه مقاومت دانشجویان بود، ادامه پیدا کرد و بعد از آن پیام رفقای اقلیت در رابطه با اول اردیبهشت خوانده شد و آنگاه شعارهایی چند در رابطه با اول اردیبهشت و همچنین در رابطه با خواست توده زحمتکش داده شد از جمله "از قملی و گرانی از جنگ ارتجاعی مردم بختگ آمدند"، "دانشگاه، این سنگ آزادی با نظام شورش گشوده باید گردد" و "اول اردیبهشت گشتار در دانشگاه، سرکوب در کردستان" بعد از شعارها بیانیه سازمان پیکار در رابطه با اول اردیبهشت توسط یکی از رفقای هوادار قرائت شد. سپس ۲ سرود با یاد و خاطره شهیدان دانشگاه و دیگر شهدای خلق خوانده شد که عبارت بود از "شهیدان" و "یادیاران" و همچنین شعر "مقاومت سرخ" سروده شده در ۱۳ آبان نیز توسط یکی از رفقا خوانده شد و بعد مراسم با چندین شعار ادامه یافت. از جمله شعارهای "شمار زحمتکشان ادا - به انقلاب، سیاست حکومت توقف انقلاب" "لیبرال، حزب سوسیال کرب خلق متعهد و برادر" بعد از شعارها اطلاعیه هوادار-

ان سازمان پیکار - بساط راه زندان در رابطه با جنایت فحیح رژیم - در ۳۱ فروردین قرائت شد. بعد از اطلاعیه هواداران سازمان پیکار اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی (اقلیت) بساط راه زندان نیز در این رابطه خوانده شد که در آن هجوم مزدوران رژیم به نظاهرات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و نارنجک اندازی و شهادت رفقای پیکار ذکر محکوم شده بود و در آخر نیز مراسم با شعار بزرگ بر آمریکا زنده باد توده ها پایان یافت. برای برگزاری مراسم ابتدا قرار بود که هواداران راه کارگر نیز شرکت نمایند ولی بعد تصمیم خود را عوض کرده و اعلام نمودند که اجرای مراسم در این شرایط (؟) چپ روی (؟) میباشد و در ادامه حرکت خود، در اثنای شروع شدن مراسم برای اینکه، این چپ روی دامن آنها را نگیرد (؟) بساط خود را جمع کرده و کلاً از آنجا رفتند و مسئله قابل توجه دیگر، استقبال توده مردم از مراسم بود که با شوق به حوادث روز قبل یعنی نارنجک اندازی به نظاهرات نسبت به مراسم حالت شفافانه داشته و نسبت به حزب الهی ها، کلاً حمایت نمی کردند بطوریکه در مواردی شعارها را تکرار می کردند و حتی در یک مورد پیرمردی سعی میکرد سرودها را که قبلاً تکرار شده و در اختیار مردم قرار گرفته بود، همراه دیگران بخواند. همچنین در حین اجرای مراسم یک حزب الهی سعی در بهم زدن مراسم داشت که چون مردم با او هم عدا نشدند کاری نتوانست انجام دهد. و در جواب وی که میگفت "منهم اجازه دارم حرف بزنم" عده ای از ناظرین میگفتند که بعد از تمام شدن مراسم هر قدر که دلت میخواهد صحبت کن، ولی الان نه! و در مجموع مراسم با موفقیت به پایان رسید.

### مبارزه دانش آموزان انقلابی برای

بازگرداندن همزمانشان  
۶۰/۱/۲۲  
در ادامه ساستهای رژیم برای سرکوب جنبش دانش آموزی و اخراج و انحلال مدارس، از جمله اخراج ۲۸ نفر از دانش آموزان دبیرستان دخترانه آزادی و انحلال ۲ کلاس آنها، در این جریان دانش آموزان مدارس مختلف نیز همزمان خود را مورد حمایت قرار داده و با حرکت اعتراضی در روز ۶۰/۱/۲۲ پشتیبانی خودشان را از آنها اعلام نمودند. رژیم در اثر فشار جنبش دانش آموزی مجبور شد عقب نشینی شده و ۲ کلاس منحل شده را دوباره دایر میکند و از ۲۸ نفر اخراجی ۲۲ نفر آنها دوباره سرکلاس میروند. مبارزات دانش آموزان برای بازگرداندن کلاس همکلاسیهایشان همچنان ادامه دارد.

### بقیه از صفحه ۱۱ گزارش از

ساعت ۱۵/۱۵ دقیقه بود که جلسه انتقادی تمام شد. اکیب های مراقبت که برای پاس انتخاب شده بودند به سرکار خود رفته و رفقای دیگر برای خواب حاضر شدند چقدر فکر در سر هر کدام از بچه ها دور میزد و همین روز اردو به بیان میرسد، اولین روز از یک تجربه بسیار جالب از یک زندگی کمونیستی از زندگی که ایده آل هر انسان آزاده است. زندگی که رفقای زیادی بسطه خاطر برپا کردن آن در جلوی چوبه های دار ایستادند. آری این اولین تجربه رفقا از یک زندگی با روابط کمونیستی بود. هر شب ۱۲ اکیب ما مورپا و نگهبانری از محل اردو بودند. هر واحد کار را بین خود تقسیم کرده بود بطوریکه تمام رفقای واحد هر کدام به نوبت در شب پاس میدادند. برای اکثر رفقا این اولین بار بود که در شب پاس میدادند و بویژه برای رفقای دختر تجربه ای جالب بود. رفقا در عین اینکه آموزش میدیدند به نقاط ضعف خود هم پی میبردند. در اینجا بود که معلوم میشد هر فرد چقدر منافع حقیر فردی را فدای منافع جمع میکرد و تا چه حد توانسته بود خود را برای ساختن دنیای بهتر سازد.

ادامه دارد

# اول اردیبهشت، لکه ننگ دیگر بر دامن رژیم است



# “نسل انقلاب” و تطهیر جنایات بنی صدر در سرکوب دانشگاه

آنچه که محور اساسی مسئله کنیدی هر انقلابی را تشکیل میدهد شناخت از قدرت سیاسی حاکم میباشد.

برای پیروزی انقلاب و رسیدن به اهداف استراتژیک آن ضروری است درکی علمی و طبقاتی از قدرت سیاسی داشته باشیم. باید بدانیم قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قیام کرده است و در مقابل چه طبقه یا طبقاتی در جهت درهم شکستن و نابودی آن و جایگزینی حاکمیت خود بیکار می کنند. درست برپا به چنین شیوه برخوردی میباشد که احزاب و سازمانهای انقلابی و کمو - نیستی قادر به تعیین سیاستها و تاکتیکها، و شعارهای مرحله ای خود خواهند بود.

اگر ما قادر به چنین درکی نباشیم، اگر تشخیص ندهیم قدرت سیاسی حاکم، اعمال دیکتاتوری و سلطه کدام طبقه میباشد اگر نسبت به کل آن یا جناحی از آن نوهیم داشته باشیم، لاجرم قادر نخواهیم بود مبارزات طبقه و یا طبقات مقابل آنرا رهبری نموده و به سر منزل انقلاب رسانیم بلکه حتی سبب خواهم شد خودتوده ها را به مسلخ طبقه حاکم بکشانیم. اینجاست که چگونگی شیوه برخورد به قدرت سیاسی و سیاست نیروها در مقابل آن، اساسی ترین و مهمترین ملاک تشخیص دمکراتیک و پیگیرانها پیگیر در جنبش انقلابی و دمکراتیکم پرولتری از غیر پرولتری در جنبش کارگری و کمونیستی میباشد.

بنابر همین اصل میباشد که ما توجه همه شرایط متحول و اعتلائی جامعه ما، وحدت باجی مبارزه طبقاتی و اوچکیری جنبشی توده ای، حادث شدن بحران اقتصادی سیاسی رشد توده های درونی هیات حاکمه، مسئله قدرت سیاسی بمنابته “پاشنه آشیل” انقلاب، ما و ما هیت سازمانهای انقلابی و کمونیستی موجود در جامعه عمل میکند. دیدیم چگونه عدم درکی صحیح از ما هیت

طبقاتی قدرت سیاسی ای که از فریاد قیام توده ها، اعمال حاکمیت میکند سبب بروز بسیاری انحرافات در درون جنبش انقلابی و کمونیستی ایران شده است. بسیاری سیاست بورژوازی حاکم و چرخش ضد انقلابی آن در مقاطع مختلف، از بعد از قیام تا کنون، بسیاری از گروهها و سازمانهای سیاسی دچار زیگزاگهای فراوان شده و بر سرترین انحرافی، یا بدنباله روی از یک جناح بورژوازی در مقابل جناح دیگر و یا بوطه انشعاب و ارتداد کفایت شده اند.

مجا همدین خلق نیز بر سرترین انحرافی از همان فردای قیام، موازات چرخشهای ضد انقلابی و تنبیه سیاستهای بورژوازی حاکم تا کنون دچار زیگزاگها و چرخشهای بسیاری شده تا آنجا که اینک بطور آشکار و عیان از جناح

“لیبرال” هیات حاکمه سرکردگی سی صدر خاش دروا بر جناح “حزبی” حاکمیت استوار است و کم کم به زان شده آن مبدل میشود. این انحراف عمده در معا همدین طسق و بدام “لیبرالها” افتادن ناشی از چیست؟ ناشی از آن است که معا همدین خلق قدرت سیاسی را بمنابته ارگان دیکتاتوری و انباز سلطنتیک طبقه بر طبقه یا طبقات دیگر از ریا نی نمیتکند. معا همدین خلق درک نمیتکنند که تمام جناحهای درون هیات حاکمه اعمار “حزبی” و “لیبرال” بمنابته تشکیل دهنده استخوانبندی دولت بورژوازی، سعی در تحکیم و تثبیت آن سعی در حاکمیت خود بر طبقه و افتار زحمتکش جامعه دارد. و وظیفه نیروهای انقلابی و کمونیست میباشد در جهت هدایت بیکار بی امان کارگران و زحمت کشان تا کم پیروزی و کم قدرت سیاسی از حاکمیت کنونی باشند. آنان بهمین ترتیب درکی از تضادهای درونی رژیم حاکم ندارند و کوتاهی بینا نه آن تضادها را بجای تضادهای میان صفا انقلاب و ضد انقلاب نشاند و بدین ترتیب مریس آنان را مخدوش میکنند.

آری وجود چنین دیدگاهی در معا همدین خلق میباشد که آنا را “دایه مهربا نشر از مادر” کرده، که حتی بر جنایاتی که خود “لیبرالها” به آن معترفند آت تطهیر ریخته و بدین ترتیب یک جناح از بورژوازی حاکم را از سررس عثم انقلابی توده ها دور کرده و آنا را به مسلخ بورژوازی می کشانند.

در اینجا ما فرصت شکافتن تمام سوا مع معا همدین خلق در برخورد به جنبش انحرافی را نداریم و تنها این را مقدمه ای دانسته نشان دهیم چگونه این شیوه برخورد، دروا رونه جلوه دادن واقعها اشغال



علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پی کار توده ها!

دانشگاه در اول اردیبهشت ۵۹؛ از سوی رهبری مجاهدین خلق به هواداران نشان نینا نشانکس میباید.

اتحادیه انجمنهای دانش آموزان و هنرجویان مسلمان در اطلاعیه ای که به مناسبت سالروز حماسه مقاومت و بهیکسار اول اردیبهشت بیرون داده اند و همچنین مقاله کوتاهی که نشریه نعل انقلاب در باره "انقلاب فرهنگی" نوشته است دقیقاً آینه تمام نمای این انحراف عمده در مجاهدین خلق میباید.

آنان در این اطلاعیه یورش بدانها نشانها را تنها سیاست "حزببها" ارزیابی کرده و چنین آب تظہیر بر جناحیات جناح "لیبرال" هیات حاگمه بسرکردگی بنی مدر میریزند. آنان میگویند: "انحصار طلبان ... برای اقدامات واپسگرایانه خود ... اقدام به سرکوب دانشجویان انقلابی

و تعطیلی دانشگاهها کرد" (اطلاعیه اتحادیه انجمنهای ... نعل انقلاب شماره ۲۶ - صفحه ۵ - تاکیدات از ما ست)

نعل انقلاب این مسئله را روشنتر بیان میکند: "حزب انحصار طلب حاگم ... تنها بیثباتی اعمال حاگمیت بلامنزاع خود را در سرکوب دانشگاهها جستجو کردند ... به قلع و قمع نیروهای انقلابی و در بر این آنها هواداران مجاهدین خلق بپردازد." (نعل انقلاب - همان شماره - همان صفحه - تاکیدات از ما ست)

و حال بنا بر این جماعات را با صحبت های آقای رجوی در مورد واقعده دانشگاه مقابله کنیم.

آقای رجوی در مصاحبه صفحه ای خود در باره سازمان پیکار در نشریه مجاهد (شماره ۱۱۴) میگوید: "از مقابله طرح مربوطه و مشورن شوارها (منظور استناد طرح توطئه انجمنهای اسلامی و نوار آیت است) روشن میشود که مسئله ... حتی سر آغاز نیست برای تصفیه جناح رقیب و در برابر آن شخص رئیس جمهور" (صفحه ۲۵ - تاکیدات از ما ست)

بنا بر این: "مجاهدین خلق ... با اصرار از رئیس جمهور بعنوان مسئول پست اجرای قانون اساسی درخواست میکنند تا حقیق دفاع رودر و روبرای هنر و نیرو و گروهی که موردتهاجم قدران واقع میشود به رسمیت شناخته و آزادی احزاب را برابر

قانون اساسی تضمین کنند. لیکن رئیس جمهور رودر روی خشونت با راصلاح نمیداند؛ اما علامه ای مبنی بر تضمین آزادیهای قانونی و محکومیت حمله به دفاع از احزاب سیاسی و تعلق این حملات بعنوان یک عمل "عدالتی" ما در میکند." (همانجا - تاکیدات از ما ست)

و حال صحبتهای آقای رجوی و هواداران نشان را فرموله میکنیم: ۱- یورش به دانشگاهها تنها از سوی جناح "حزبی" هیات حاگمه صورت گرفته است. ۲- هدف از این یورش بویژه سرکوب هواداران مجاهدین خلق بوده است. ۳- آقای رئیس جمهوری بنی مدرخا شن آزادیهای قانونی را تضمین و حمله بدفاع از احزاب سیاسی را محکوم کرده و این حملات را عملی "فساد انقلابی" میخواند.

بنا بر این نتیجه میگیریم که طریق اظهارات مجاهدین خلق علاوه بر اینکه روح بنی مدرخا را از این جریان اطلاع نداشته بلکه بر اساس ماهیت انقلابی خود این حملات را محکوم کرده و عملی "عدالتی" خوانده است.

و چنین مجاهدین خلق بر رهبری آقای رجوی هواداران را روانه سطح بورژوازی کرده و آب تظہیر بر بدستان خون آلود بنی مدرخا در ریخته و او را از تیررس خشم توده ها برحذر میدارد.

اما ببینیم اصل واقعده چگونه بود و نقش بنی مدرخا در این میان چه بوده و مجاهدین خلق چرا به چنین تعطیلی دست یافته اند؟ در مورد چگونگی آغاز حمله به دانشگاهها تا اخیر آن بدست رژیم حاگم، با تداوم کاغذها در شماره گذشته ۱۳ آبان توضیح داده ایم بنا بر این تنها به مختصری از آن و به برخورد بنی مدرخا نسبت به اشغال دانشگاهها میپردازیم:

آغاز حمله بدانها، آغاز یورش دو - باره به بدستان قهرمان بوده است. دانشگاه چون دژی استوار، مکانی برای افشای گری ماهیت ارتجاعی و جناحیتکارانه رژیم حاگم عمل میشود. بنا بر این "فتح این دژ میثبات است از پاشیدن بذراگامی و گسترش افشای جنایات رژیم حاگم در بدستان قهرمان و سرکوب و گشتار کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران، از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب جلوگیری نماید. این دوره همچنین دوره جنگ قدرت در

"بالا" و دوره قدرت گیری جناح "حزبی" هیات حاگمه بوده است. هرکدام از جناحهای رقیب میخواهند خود را بر یک قدرت تکبسه زده و دیگری را بیزیر سلطه خود گذند. اما "حزببها" با استفاده از توهم توده ها و با دست داشتن مجلس، دولت، قوه قضاوتیه و ... کم کم بسوی کسب هژمونی تمام عیار در قدرت و کنا زدن "لیبرالها" بسسه سر کردگی بنی مدرخا حرکت مینمودند. بنا بر این طرح اشغال دانشگاهها از سوی "حزببها" و بدست گرفتن رهبری آن، یک گام دیگر آنان را بسوی کسب هژمونی قدرت نزدیک تر و رقیب مقابل "لیبرالها" را از آن دور تر میکرد. این بود که اشغال دانشگاهها بدست انجمنهای اسلامی طرفدار "حزب" بدون مشورت با جناح رقیب از تبریز آغاز شد. و این حرکت "حزببها" همان چیز است که آقای رجوی در مصاحبه خود بدستی به آن اشاره کرده اما بنا بدستی از آن نتیجه گرفته است: "تصفیه جناح رقیب و در رأس آن شخص رئیس جمهور"

در این میان "لیبرالها" و شخصی بنی مدرخا میبینند از غافل غلبه عقب مانده و رقیب "حزبی" شان به کمک ابادی خود دانشگاهها را به تخریب خود در می آورند؛ این بود که بنی مدرخا قدم پیش میگذازد: "حمله به مراکز سازمان های سیاسی (یعنی بوسیله انجمنهای اسلامی و مزدوران "حزب") توطئه بر ضد دولت و انقلاب است." (اطلاعات ۵۹/۲/۱)

بنی مدرخا انجمنهای اسلامی را محکوم میکند چرا که با دگوات بورژوازی خود تشخیص میدهد که اشغال دانشگاهها بدست انجمنهای اسلامی یعنی حاگمیت بنی چنین و چرای جناح رقیب در دانشگاهها در جهت تثبیت هژمونی خود بر قدرت و سپس زدن "لیبرالها" میباشد.

و حال این نقل قول را با برداشت انقلابی آقای رجوی مقابله کنید: رئیس جمهور رودر روی خشونت با راصلاح نمیداند و "آزادیهای قانونی را تضمین کرده و حمله بدفاع از احزاب سیاسی را عملی فساد انقلابی میداند."

نه آقای رجوی، این تنها در ذهن نیست متوهم شما نسبت به "لیبرالها" است که چنین خوشباورانه می اندیشید.

بنی مدرخا همان زمان بازمیگوید: "من فکر میکنم و لا برای اینکار (سرکوب رقیب در صفحه ۶

# مدارس باید در طول تابستان باز بوده و امکانات آن در اختیار دانش آموزان انقلابی قرار گیرد

سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ روبه پایان است. کم کم در مدارس دبیرستانها مسئله امتحانات آبرسال مطرح میشود و دانش آموزان یکسال دیگر را نیز در درون سیستم ارتجاعی آموزشی و با فراگیری علم روزوایی پشت سر میگذرانند. هر چند این یکسال نیز در درون روابط ارتجاعی حاکم به اتمام میرسد اما نمیتوان نادیده گرفت که چگونه سال در مدارس جنبش در پیش شدید بود. دانش آموزان انقلابی مبارزات گسترده و مقاوم خود سنگرهای نویسی را در مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم برپا میکردند. و امسال اگر سنگر خونین دانشگاه بسته بود و قفل ارتجاع به درهایش خورده بود، مدارس سنگرهای خونین دیگری بودند که از هر گوشه سر بر سر میآوردند.

آری امسال اگر چه سیستم سرمایه داری وابسته هنوز هم بر جا مع و روابط درون آن حکم میراند و در مدارس فرمان سرکوب و کشتار و اخراج انقلابیون و ایجاد جو فشا و اختناق و حفظ سیستم ارتجاعی آموزشی میداد اما سر نیزه های خونین دانش آموزان انقلابی، مشت های گره کرده گل بسته های کوچک انقلاب و حرکت سریع و پیر پیچ و تاب ما همان سیاه کوچک دریای انقلاب بوده ها یکدم این سیستم ارتجاعی را آسوده نسنگذاشت. مبارزات انقلابی دانش آموزان هر روز بیشتر اوج میگرفت و رژیم ارتجاعی حاکم را مستاصل و درمانده ساخته توطئه های رنگارنگ اخراج و گرفتن تمدنانه و تعطیل و اشغال مدارس و حملات مسلحانه به آنها را... نقش بر آب میکرد با توجه به چنین کیفیتی در مبارزات دانش آموزی است که امروز ما هم رژیم جمهوری اسلامی و مسئولین مرتجع آموزش و پرورش قصد تعطیل کردن هر چه سریعتر مدارس و به پایان رساندن هر چه فوریتتر امکانات را دارند و تلاش میکنند تا با فشرده ساختن امتحانات و جلوگیری از تاریخ برگزاری آنها کار مدارس را زودتر پایان رسانده و قفل ارتجاع را بر درهای این دیگر سنگرهای خونین انقلاب نیز

بزنند. سیاستی که ارتجاع حاکم قبلا نیز در طولانی کردن تعطیلی مدارس و با منحل و تعطیل کردن دبیرستانهایی که از سطح مبارزاتی بالایی برخوردار بودند... پیش برده است اما میکند نه تنها بسته شدن سریع و فوری مدارس نمیتواند خواست توده های آگاه و دانش آموزان انقلابی باشد بلکه باز بودن و برپایی سنگر مدارس در طول تابستان حق بی چون و چرا و انتقال بی توده های زحمتکش و دانش آموزان انقلابیست. چرا که مدارس سنگر مبارزه انقلابی هستند. مدارس محل تجمع و تشکیل توده های دانش آموز هستند. مدارس محل تبلیغ و ترویج و افشاگری و محصل رساندن آگاهی به توده ها هستند. مدارس میتوانند در طول تابستان برای حفظ رابطه ارگانیک و پیگیری دانش آموزان انقلابی با توده های دانش آموز مسووم استفاده قرار گیرند و امکانات مادی مدارس میتوانند در طول تابستان نیز در جهت انقلاب و گسترش مبارزات توده ها بکار گرفته شوند.



بر مبنای همین مسائل است که مستقیم با زیودن مدارس در طول تابستان یکی از حقوق حقه دانش آموزان انقلابیست. این حق واقعی و انقلابی است اگر چه امروزه یک خواست عاجل و آنی توده های دانش آموز تبدیل نشده و امکان عملی شدن سراسری ندارد اما میتواند با بدست آوردن یک خواست انقلابی طرح شده و در میان توده های دانش آموز تبلیغ و ترویج گردد. تا اینکه توده های دانش آموز درک کنند که تمامی امکانات مادی موجود در مدرسه متعلق به آنهاست و باید در خدمت انقلاب و مبارزه شان بکار گرفته شوند.

توده های دانش آموز باید درک کنند که سنگر مدارس این خانه های جوشان مبارزه متعلق به آنهاست و میتوانند حتی در طول تابستان هم در خدمت مبارزات انقلابی قرار گیرند. اینجاست که ضرورت تبلیغ و ترویج حول این خواست بر حق توده ها روشن میگردد چرا که تنها با تبلیغ و ترویج این خواست انقلابی و بردن این شعار به میان توده های وسیع دانش آموز میتوان آنها را به حقوق حقه شان واقف گردانید و تحارب انقلابیشان را ارتقاء داده و محورهای مبارزات انقلابی شان را روشن کرد. اما در عین حال باید به یک نکته اساسی نیز توجه کرد و آن اینکه طرح این شعار و تبلیغ و ترویج بر روی آن به مفهوم عملی کردن آن نیست. چرا که جنبش دانش آموزی در مقطع فعلی از چنان توان و پتانسیل برخوردار نیست که بتواند نیای مبارزه انقلابی بگیرد برای بازنگاه داشتن مدارس و عملی کردن این خواست برود سطح آگاهی سیاسی - انقلابی توده های دانش آموز - میزان تشکل و سازماندهی آنها و بطور کلی توان کمی و کیفی این جنبش هنوز تا آنجا نیست که توده های دانش آموز خود را برای بازنگاه داشتن مدارس در طول تابستان واداره فعالیت سیاسی انقلابی در سنگر مدرسه در دوره تعطیلات



### گرامیداشت حماسه اول اردیبهشت در ارومیه

بزندگفت تا حالا هر حرفی شما زدید ما باور کردیم و تا حالا هیچ خبری ندیدیم حالا میخواهیم ببینیم اینها چه میگویند حدود ۲۰ دقیقه وضع بهمین منوال ادامه داشت و مقدار زیادی اعلامیه پخش شد و تشریح بهکار رفت و رفت که فالانژها دیگر طاقت نیاوردند و نمایشگاه را پاره کردند . گوشه نمایشگاه خاری بود که به چشم آنان فرو میرفت . رفقا که جورا متناصب برای یک تظاهرات موضعی میدیدند با شمار " دانشگاه این سنگر آزادی کشور ده باید گردد " ۱۶ آذر شاه بدستور از نجاج دوباره تکرار شد " و ..... دست بنظا هرات زدند که حدود ۵ دقیقه بطول کشید . مردم در دو طرف خیابان بتماشای رفقا پرداخته و حتی عده ای نیز به جمعیت ملحق شدند . پس از ۵ دقیقه تظاهرات رفقا در میان مردم پراکنده شدند و مردم نیز همچنان ایستاده و به بحث ادامه دادند . بیش از یک ربع از تظاهرات نگذشته بود که تمامی شهر درباره تظاهرات صحبت میکردند .

معنا سبت بزرگداشت اول اردیبهشت روز مقاومت خونین دانشجویان کمونیست نمایشگاهی در خیابان امام ارومیه از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان بهکار ارومیه برگزار گردید . نمایشگاه در یکی از طولوغترین ساعات روز برپا گردید . در حاشیه نمایشگاه نیز بهیکهای انقلاب به پخش اعلامیه و فروش تشریحیه پرداخته و با فریادرسای خویش به افشای جنایات رژیم در اول اردیبهشت دست زدند . توده های مردم همچون کسانی که تشنه دانستن و نشنه بیداری هستند بر آمدند این پیام آوران انقلاب جمع شده و به بحث و تماشای نمایشگاه پرداختند . طولی نکشید که سروکله فالانژها پیدا شد . فالانژها که میخواستند بساط نمایشگاه را هرچه زودتر بهم بزنند با فحش و توهین به رفقا پیخواستند جورا بیعت خودتغییر دهند که رفقا به افشای آنان پرداخته و با حمایت بیدریغ مردم بکار خود ادامه میدادند . مردی به یک نفر از فالانژها که میخواست بساط را بهم

### اول اردیبهشت در دبیرستان آل احمد کرماتشاه

رفقای دانش آموز هوادار از همان اوائل صبح بلاکاراد ، پوستر شهدانمایشگاه اول اردیبهشت و پوسترها و اعلامیه ها را بدیوار حیاط دبیرستان نصب میکنند و در حوال وحوش آن شروع به افشاکری درباره حمله رژیم به دانشگاه میپردازند . مدیر مجتمع مدرس و فالانژها پس از مدتی سر رسید و میخواهد مانع از ادامه مراسم شوند . اما آنها نه تنها نمیتوانند به پوسترها و بلاکاردها دست دراز کنند بلکه با اعتراض شدید دانش آموزان انقلابی رویرو میشوند و در عوض فالانژها شروع به فحاشی و لجن پراکنی علیه کمونیستها و انقلابیون مینمایند اما اینگونه سخنان هیچگونه تأثیری در زوحمیه دانش آموزان انقلابی ندارد . اعلامیه های افشاکرانه پخش میشود و رفقا با دادن شمارهای انقلابی ، نفرت خود را از یورش و حشانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و تماشای جناحهای خائن آن بدانشگاه ، نشان میدهند و بیجان خویش را با دانشجویان انقلابی با ردیگر نشان میدهند . برنامهمهمان تا تظاهرات ادامه داشته و تا پایان آن نیز هیچگونه آسیبی به بلاکاردها و پوسترها ... نمیرسد . که این خود نشانهای از پیروزی اتحاد دانش آموزان انقلابی در برابر مرتجعین و مزدوران رژیم ( عوامل انجمن اسلامی ) میباشد .

پس از روز باد مبارزات بزرگ ، دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی

### گزارش از برگزاری مراسم بزرگداشت اول اردیبهشت

در دبیرستان دخترانه سید کرماتشاه

کشتا خونین دانشجویان کمونیست و انقلابی - بی ، آنان را به پیش میخواند : " ما - شموی مبارز ، بیاری شده ها سنگر خود را بگشا " مانند همیشه عوامان انقلابی انجمن اسلامی و دیگر مرتجعین (مدبرو) که تحمل کوچکترین حرکت انقلابی را ندارند ، شروع به حمله به بلاکاردها و پوسترها و لجن پراکنشهای علیه انقلابیون میکنند . اعتراض شدید دانش آموزان آنان را از حرکت باز میدارد شعار ما پشت محکم است بردهان آنان " دانش گاه این سنگر انقلاب ... " و سرودهای انقلابی یکی پس از دیگری خوانده میشود و پس با خواندن سرمقاله ضمیمه ۱۳ آبان شماره ۶۶ مراسم بزرگداشت به پایان میرسد .

سنگ و نفرت سر حزب جمهوری اسلامی و لیسرا لها این عاملین کشتن ساز دانشگاه

رفقای دانش آموز هوادار سازمان بهکار در سطح وسیعی برنامه مخصوص این روز را انجام میدهند . بلاکارادی که سر آن شعار " گرامی باد اول اردیبهشت نوشت شده بود ، به همراه نمایشگاه اول اردیبهشت و پوسترها بدیوار نصب میشوند . دانش آموزان مبارز دبیرستان سیه که خاطر حماسه اول اردیبهشت را بیاد دارند ، برای بزرگداشت هرچه باشکوه تر این روز بگرد محل بلاکارها و ... جمع میشوند . رفقای حول وحوش و حشانه رژیم بدانشگاهها و اهداف خائسانه آن به افشاکری حول وحوش یورش و حشانه رژیم به دانشگاهها و اهداف خائسانه آن به افشاکری میپردازند و اعلامیه و تراکتها ی خود را در این رابطه پخش میکنند . شمارها را با کوبندگی ضمن محکوم کردن





### در مزار رفیق شهید آذر مهر علیان

## من آذرهای بسیار دارم که انتقام خونش را می گیرند

هفتم اردیبهشت رفقا ، همزمان کمو - نیست رفیق و سازمان دانشمویان و دانش آموزان بیکار مراسمی در بهشت زهرا بر مزار خونین رفیق آذر مهر علیان برگزار کردند .

در این مراسم ابتدایی از سرودهای سازمان " شهیدان " دسته جمعی با طبعی بلند و با توسط رفقا ، همزمان کمونیست رفیق خوانده شد .

یکی از رفاضمن خوش آمدگویی برای بزرگداشت شب هفت رفیق شهید پیام سازمان دانشمویان و دانش آموزان بیکار را قرائت کرد . در پیام آمده بود : سوگند یاد میکنیم که تا پای جان نه از زندان ، نه از شکنجه و از تحریکات ترسید و نمی از آرمان مقدسی که رفقای شهیدمان بدان قصد و هدف برگزیده پذیرا شده اند ، درنگ و تا مل نکنیم . همیشه خاطره و یاد آنان در هر کجا با ما و جوار راه ما خواهد بود . در ایستگاه لحظات جمعیت شعارها : ترابی ، مهر علیان ، شهیدان بیکارگر ، راهت ادامه دارد ، بیکارگرم شهیدم قسم بدون پاکت راهت ادامه دارد . مردمی که در آنجا حضور داشتند به مراسم آمده و مادران شهدا دست به افشای عملکردهای وحشیانه و کثیف رژیم زدند . مادر رفیق آذر انگار نه انگار که فرزند دلسند و قهرمانش را از دست داده با قلبی آتشین و انقلابی و نفرت طبقاتی از دشمنان مردم گفت : من آذرهای بسیار دارم که انتقام خونش را بگیرد من آذر را از دست ندم . نهایی که در اینجا هستند همه دختر و پسر من هستند ، شما ها جای خالی او را پر میکنید رژیم از تعویب جد مرده دخیلم و جنت دانت . بچینید و جنت و سردرگمی و ملامت

رژیم به کجا رسیده که از جد و احمه دارد . این مادر مبارز فریاد بر آورد آذر تونمرده ای ، ما هرچم سرخی را که تو سایر رفقای شهید باید بردوش می - گرفتم ما آنرا به اهتزاز در می آوریم . با سخنان مادر انقلابی رفیق جمعیت یکمدا ، با هم شعار زدند و در مزار را سردادند . مردمی عادی که گسرد آمده بودند چند نفرشان حق حق گریه را سردادند . مرد کارگری که در آنجا قفسر

میکنند با بیبل دردستش در تمام طول مرا - سم به تماشا بود و آخر سر با تاسف گفت آخر چه فرقی کرده آن رژیم میکشت این رژیم هم میکشد . اینبار مادر رفیق محمود صدی با مردم به محبت نشست . و با سخنان کوتاه و قلبی مالامال از نفرت خشکینانه گفت : رژیم جتا - ینگار جمهوری اسلامی فرزندان را که با خون و عرق و با هزار محبت آنان را پرورده و بزرگ کرده ایم ، میکشد .

با این خیال واهی که محمود و یاران همزمن را از راه پرافتخاری کس - برگزیده اند ، منصرف کند .

اما چه خیال خام و ساده ای ، محمود چه در زمان شاه خاشن وجه این زمان یک کمونیست و مبارز بود . در آنوقت هم رژیم چند بار دستگیرش کرد . اما هر بار مصمم تر از پیش سیلاب وار و غرورشان به پیش میرفت .

محمود در زندان جمهوری بمن گفت مادر نگران نباش . فرزندان زنده خواهند ماند . و راه سرخ کمونیست ها را بسا برقراری کمونیم و یا سوسیالیسم ادامه می دهند . مادر محمود اشاره کرد به اینکه جرم محمود فقط و فقط آورقه اعلامیه بوده و بس . سنگ بر رژیم جمهوری اسلامی . جمعیت با خاتمه گفته های مادر یکجا بر پا خاست و شعار دادند .

مراسم با پیام خانواده شهدا و زندان - نیان سیاسی ، شعری به یاد رفیق ، پیام دانش آموزان هوادار سازمان عاصمی درس میخواند و سرود جاودانه و کمونیستی انترناسیونال خاتمه پذیرفت .

چه بگویم که ز این خشم خاموش  
گر با پیر بخش  
با خیز و برکم ریش فرقه  
پیش بسور فتح فرط  
پیش بسور خورشید گز لو  
قسم بر دست پینه بسته  
که تا گریه بر گریه و غم و غم خواریم بود

قطعه شعری سروده رفیق آذر که در دفتر یادداشتش نوشته شده است .



## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

رئیس استاد سازمان بیکار در راه آزادی ، فرهنگ کارگر



### سالگرد حماسه اول اردیبهشت را به افشای جنایات رژیم در دانشگاه بدل کردیم

دیپستان گلرنگ

شبه ۲۲/ ازنگ تفریح سما بهنگساره سازمان را در مورد اول اردیبهشت به دیوار چسباندیم نیروهای دیگر از قبیل اقلیت، راه کارگر، معاهدین نوشته های افشاگرانه زده بودند. نوشته ها زیاده بودند و سطح طویلی از دیوار مدرسه را پوشانده بودند همگی دورش زخمی زده و سرود میخواندیم. انجمن اسلامیها به سرکردگی مدیر مدرسه حمله کردند. ما نیز مانع شده و مقابلت کردیم و شروع به دادن شعار مرگ بر آمریکا کردیم که ما لاینها نیز با ما همدا شده و شعار مرگ بر آمریکا را تکرار میکردند و ما به خاطر اینکه تما ییز خود را با فالانزها برای دانش آموزان بیطرف روشن کنیم شعار مرگ بر آمریکا را بر ارتجاع را دادیم. در نتیجه فالانزها شعار مرگ بر آمریکا را قطع کردند و بدادن شعارهای ارتجاعی پرداختند اما بلاخره ما یک هجوم و احتیانه توانستند ما بشکا و چند تایی نوشته را بپاره کنند. مقابلت بجه ها در مقابل حمله این مرتجعین فوق العاده بود و تعداد فالانزها در مقایسه با اوایل سال گذشته یافته بود آنها در حدود ۵۰۰ تایی و غنفر بودند و ما در حدود ۱۵۰ نفر شدیم. دادن شعارها را از قبیل آزادی سیاسی در سنگر سدارس حق مسلم ما است - آگاهی نابودی ارتجاع - مرگ بر آمریکا مرگ بر ارتجاع - فعالیت سیاسی حق مسلم ما است (ادامه دادیم در ادامه مقابلت بین نیروهای کمونیست و معاهدین فاطمه افتادیدین صورت که آنها جلوی نوشته های خودشان بودند که پاره نشده بود و ما ایمن طرف جلوی نوشته های پاره شده ایستاده

بودیم. در نتیجه آنها شعارهای ما را تکرار نمی کردند و سعی میکردند سرودها و شعارهای گروهی بخوانند که بجا طریبگیری نیروهای کمونیست در دادن شعارها و خواندن سرود موجب شده تنبالی روی از ما هدین که معمولا تکرار میشد صورت نگردد و با لکس تو - ختمیم معاهدین را و ادا ریم که همدا با ما سرود بخوانند پس بطرف کلاسها راه افتادیم و در طول راه سرود خوانده و شعار میدادیم که موجب جلب دانش آموزان می گردید.

### بزرگداشت حماسه اول اردیبهشت در دیپستان شهرزاد - تهران

روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت دانش آموزان هوادار سازمان پیکار... در دیپستان شهرزاد برنامهمستقلی در بزرگداشت اولمسن ما لروز خما به مقابلت دانشجویان انقلابی و برای افشای هر چه بیشتر "فدا انقلاب فرهنگی" رژیم برگزار کردند. برنامه بصورت مستینگ اجرا میشد.

در ابتدای برنامه سرود "پاد یاران" از مجموعه سرودهای سازمان توسط رفقا خوانده شد. بعد مقاله ای در افشای فساد انقلاب فرهنگی رژیم و اهداف و عوارض آن خوانده شد. در قسمت سوم برنامه رفقا تشاری تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" اجرا کردند. اجرای تشاری در مدرسه تشاری بسیار منتهی بر روی دانش آموزان گذاشت تقریبا تمامی دانش آموزان مدرسه جمع شده و مشتاقانه مشغول تماشای تشاری شدند. حتی اغلب دانش آموزانی که نسبت به مسائل سیاسی غیر حاسی بی تفاوت هستند جذب تشاری تر شده بودند. فقط در اینمیان با زجبه متعاندانجمن اسلامی و رویز یونیستهای خائن شده ای و اکثریتی تشکیل شده وسی. در بهم زدن برنامه به بجه بخوره گرفتن تشاری را داشتند که بوسیله رفقا بخوبی افشا شدند. دبیردینی هم در مخالفت با تشاری تر خودش را به آزا دیخواهی زده بود و دو هوا را انداخته بود که اگر راحت میگوئید ما شید بهت آزاد کنید. که رفقای ما و اقلیت بخوبی ماهیت ظاهر فریب آنها را افشا کردند و به مقابلت در

مقابلت تحریکات و توطئه های امورتربیتی و... پاره اختند و بعد هم با شما تعداد ما - رزه - بیروزی "بطرف را هرورفتسه و در را هرور جمع کردند و سپس سرود "انترناسیونال" با صدای بلند و با همراهی بسیاری از دانش آموزان مدرسه خوانده شد. در این حین انجمن اسلامی مرتب شعارهای ضد پیکار داده و برای مثال میگفتند "ملت ما بیدار است - از پیکاری بیزار است". آنها قصد درگیری داشتند و در آخر هم یکی از فالانزها بطرف یکی از رفقا حمله کرده و او را با دستک گرفت که با مقابلت ما برداش دانش آموزان انقلابی از رفیق درگیری بی پایان رسید. اما بلافاصله امورتربیتی با سداران را خبر کرده و آنها بعد از ده دقیقه سر رسیدند و به کمک انجمن اسلامی شروع به کتک زدن دانش آموزان کردند. از آنروز تا کنون در دیپستان درگیری بین نیروهای انقلابی و نیروهای ارتجاعی ادامه دارد.

### بقیه از صفحه ۱۵ اخبار عزت پیادیم

تا بستن آماده کنند. واقعیت این است که جز در معدودی از مدارس که ممکن است بدلیل سطح بالای مبارزه و با داشتن شوراهای واقعی و قدرتمند دانش آموزی امکان عملی کردن آنرا داشته باشند در ما برمدارس و بصورت سراسری هرگز این شعار نمیتوانند به فعل درآید. و عمسلا سازماندهی برای مبارزه به یک تحول این شعار و بسیج نموده های وسیع دانش آموزیه گردان در مقطع کنونی امری غیرممکن است. اما واضح است که عدم امکان به فعل درآوردن این شعار هرگز به مفهوم عدم ضرورت تبلیغ و ترویج آن در میان توده های دانش آموزی کمبها بی به این امر مهم نیست. با توجه به مسائل فوق ما ضمن تاکید بسیار بر لزوم طرح شعار مبارز بودن مدارس در طول تابستان استفاده از امکانات آنها در جهت انقلاب دانش آموزان انقلابی و کمونیست را موظف به تبلیغ و ترویج وسیع و بیگرا این شعار انقلابی میدانیم.

# فراخوان به اعضاء و هواداران! مبارزات یکساله ۶۰-۵۹ را در مدرسه خود جمع بندی کنیم

سال تحصیلی ۶۰-۵۹ در میان شعله های مبارزه بی امانان رفته رفته پایان مییابد .

انکار همین دیروز بود که مدارس را در میان جو غفغان ناشی از آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق شروع کردیم . چه زود این دیوار شوم هم فرو ریخت ، پرچم های سرخ مبارزه را برافراشته ترکردیم مرودهای سرخمان در مدارس طنین افکنند و علموزم تمامی تهدیدها ، تعطیل مدارس ، اخراج و ... مشتمان گسره کرده برجای ماند .

در این یکسال چه تجربیاتی که در کنار علمی و مخفی و تلفیق آنها در مبارزه کسب کردیم . چگونه نقش جاسوسی انجمنهای اسلامی را بهتر شناختیم و به دیگران شناساندیم . اما آیا برای شما میتوان این یکسال مبارزه را بحال خودرها کرد ، بدون آنکه نقاط ضعف و قوت آنرا دریا - سیم و جمع بندی کنیم ؟ بدون آنکه دستاوردهایمان را جمع بندی کرده و در اختیار تمامی دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرارداد ؟

بدون آنکه انحرافات خود را در عرصه رهبری مبارزات انقلابی مدرسه مشخص کنیم و با انتقاد از خود مادقا نسیم ، چراغ فراراه مبارزه مان را روشنتر سازیم ؟

بدون آنکه اشتباهات دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست را ریشه یابی کنیم ؟ بدون آنکه .... ؟

به نظرمانه ! حتما پاسخ شما هم منفی است . خوب پس چه باید کرد ؟ بنظرمان شمار فقای عضو و هواداران سازمان دانش جویان و دانش آموزان بیکار ، که از وحدت سیاسی - ایدئولوژیک برخوردار بوده و نقطه نظرات واحدی در اساسی ترین مسائل مطرح در جنبش دانش آموزی دارند باید وظیفه ارائه چنین جمع بندی را

در مدرسه خود بر عهده بگیرید . از این طریق میتوانستید در حدتوان خود کوشش کرده باشید تا دانش آموزان انقلابی مدرسه به مروری بر مبارزات یکساله خود دستبند و نقاط ضعف و قوت آنرا دریابند تا بویژه در سال بعد با تجربه غنی تری و بهتری مبارزه را سازمان دهند .

بنابر این رفقای عضو و هواداران در هر مدرسه باید در همین فاصله تا قبل از تعطیل مدارس این جمع بندی را تهیه کرده و در معرفی دید تمامی دانش آموزان مدرسه قرار دهند . در این جمع بندی باید از یکطرف مبارزات و اشکال مختلف آن در دوره های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد . مثلا وقتیکه جنگ تازه شروع شد ، بود و دامنه توهم را بالا برده بود ، وقتیکه تازه در مدارس ورزش صیحا شروع شده بود ، وقتیکه برای اولین مرتبه در مدرسه سیتینگ ( مثلا در ۱۳ آبان " با " ۱۶ آذر ) برگزار کردید ، وقتیکه بخش و فروش علمی در مدرسه آغاز شد و ....

بخصوص باید ( البته با توجه به مسائل امیتی ) بررسی تعارض خلاقیتی که در طول این مبارزات بدست آورده - اید ، تا کنید نشاند .

از طرف دیگر باید اعتبارات ، اعتبارات ، غات و تظاهراتها ، مدت آنها ، پیروزی با شکست و علل این پیروزی با شکست را مورد بررسی قرارداد .

افشای اشکال مختلف توطئه های " انجمنهای اسلامی " و " امورتربیتی " باید جای خاص خود را در این تحلیل داشته باشد .

بررسی نقش " شورای مدرسه " و اشکال لات آن ، قطعا در جمع بندی ما ، از مسائل قابل توجه خواهد بود .

رفقا ! اعضا و هواداران ! با برخوردی فعال و انقلابی بگوئیم

تا هرچه بهتر و پیش از پایان سال تحصیلی این جمع بندی را تهیه نمائیم و آنرا بعنوان جمع بندی خودمان از مبارزات مدرسه مان در اختیار شما سسی دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرار دهیم .

بدون شک باید بگوئیم تا از نظر رفقا و دوستانمان در مدرسه چه پیش از جمع بندی و چه پس از آن در این زمینه ( تا حد امکان ) بهره گیریم !

ضمنا میتوانستید یک نسخه از آنرا نیز برای ما بفرستید !

دستان را بگرمی میفشاریم و امید پیروزی هرچه بیشتر در ارائه این جمع بندی را بیا - بتان داریم !

### بقیه از صفحه ۲۰ چهارم

۱۴ نفر استادان متنوع الورد از نمایندگان منتخب کادر آموزشی در دو دوره شورای هماهنگی دانشگاه بوده اند .

تعبیر آور نخواهد بود که بسزوی اعلام جرم آقای سروس عیبی رئیس سابق ساواک دانشگاه صنعتی راه هم علیه متنوع الوردین مشاهده کنیم ! هرچه باشد سابقه پرونده سازیش علیه این افراد از این حضرات تازه بدوران رسیده بیشتر است !

### بقیه از صفحه ۹ پایتوم

رفقای کسبته هنری د . د . ش . سرودهایتان رسید .

شعرهای دیگری که بدستمان رسیده . - رفیق آ - پروانه خانه دار از کرج - ش - رفیق

- همچنین شعرهایی با نام " جنگ غیر عادلانه " و " چون پرچم خونین انقلاب " بدستمان رسیده که متاسفانه اسم رفیق شاعر مشخص نیست .

## به استقبال جنبش اوجگیرنده دانش آموزی بشتابیم



آیا صدای انفجار را شنیدید  
 زمانیکه صدایارام - مفاکاهی  
 از روبروی سنگرانقلاب  
 گذر میکرد؟  
 آیا صدای انفجار را شنیدید  
 وقتیکه صدایارام چون گندمزاری  
 بربربار

موج برمیداشت ،  
 وقلب ارتجاع را میشکافت و جلو میرفت  
 آیا صدای داس سرمایه را شنیدید ،  
 وقتیکه جوانه های نورس گندم را درو  
 میکرد ؟

آیا صدای انفجار را شنیدید ؟  
 آیا سواره های شکوهند خون حیوان  
 یارارام را دیدید ،  
 که چه سان راه آگاهی را سرخ و سرختر  
 میکرد ؟

و آیا شنیدید صدای انفجار نزدیک  
 خلق را ؟  
 آیا میشنوید صدای فروریختن نزدیک  
 سرمایه وستم را ؟  
 آیا میشنوید صدای پتک توانمند  
 کاررا ؟

آیا میشنوید صدای همیشه بیکار را ؟  
 آیا میشنوید صدای گینه داس را ؟  
 آری ، این صدای فردای انفجار است  
 این صدای درماندگی ارتجاع است .

به پاسداران سرمایه ،  
 به نگهبانان نظم کهن بگوئید  
 ما هرگز نترسیده ایم ،  
 ما از "گمون پاریس" تا "اول ار -  
 دیبخت"

نهراسیده ایم  
 ما را داس امیرالیرم و ارتجاع  
 " هر سال درو میکند ،  
 و سال بعد پر بارتر میروئیم "



دانش آموزان انقلابی مدرسه عاصمی فریاد میزدند:

### آذر مهر علیان بیکار گرفتارمان - قسم به خون پاکت سلامت ادامه دارد

نوشته شده بود را در دست گرفته بودند ...  
 همپسین رفقا خلو را غرقه بخون رفیق  
 آذرا آویزان کرده و به آن شاخه های  
 گل آویخته بودند . اشک و تا سردر چه هر  
 هده دانش آموزان بود و صحنه بیرگوهی  
 بوجود آمده بود . یکی از رفقای آذربسا  
 صدای بلند متن های نوشته شده بر روی  
 پلاکاردها را خواند . سپس بصورت دسته  
 جمعی سرودی خوانده شد . در ادامه بر نامه  
 یکی از رفقای آذرا از خصوصیات آذر و  
 ظرافت خوبی که او داشت سخن گفت .  
 پس یکی از دوستان آذرا ساره سرخ  
 را بدست گرفته و به بالای جایگاه رفیق  
 آذرا برد و آن را بلند کرد و جایگاه رفیق  
 بقیه در صفحه ۱۰

در روز ۶۰/۲/۲ دردبیرستان عاصمی  
 مراسم بزرگداشت رفیق آذرا مهر علیان  
 که دانش آموز کلاس سوم تجربی این  
 دبیرستان بود برگزار شد . در این مراسم  
 که بصورت مبتینگ  
 دانش آموزان هوادار سازمان بیکار  
 در راه آزادی طبقه کارگر دبیرستان  
 عاصمی و با شرکت دانش آموزان انقلابی  
 و سایر نیروهای سیاسی انقلابی برگزار  
 شد رفقا بطرز زیبایی ستاره ای از شاخه -  
 طایی درست کرده بودند و همچنین در روی  
 سیمکت رفیق آذرا در جایگاه خالیش دسته  
 گل سرخ گذاشته بودند . همچنین پلاکاردها  
 هایی با یاد آذرا و با قسمت هایی از صحبت  
 های مادر مبارز رفیق آذرا که بر روی مقوا

### اخباری از دانشگاهها

در هفته قبل یکی از فارغ التحصیلان  
 دانشگاه صنعتی شریف که برای انجام  
 کاری بدفتر نخست وزیر رفته بود در  
 آنجا شخصی را مشاهده کرد که روزنامه  
 ای در دست از این اطاق به آن اطاق  
 میروند و اسامی ۱۴ نفر استادان ممنوع -  
 الورد به دانشگاه را که در آن روزنامه  
 به ( انقلاب اسلامی مورخ ۵۹/۱۲/۲۳ ) چاپ  
 شده بود به افراد نظشان میدهد و  
 میگوید " ... بدادم برسید ، گمانیکه

مرا از دانشگاه پاکسازی کرده اند خود  
 پاکسازی شده اند و برای اعمال خود  
 رسیده اند . حقوق معوقه چندین ماهه ام  
 را بپردازید ، مرا به سرکارم بازگردا -  
 نید و ... " این شخص آقای بوسلف  
 بگانه مطهر منبع رسمی ساواک در دانشتر  
 گاه صنعتی شماره ۱۲۱۳۸ بود که  
 بوسلفه کمیته پاکسازی منتخب شورای  
 هماهنگی ( مرکب از نمایندگان دانشتر  
 جوان ، استادان و کارکنان ) مجرم  
 همکاری با ساواک از دانشگاه اخراج  
 گردید . قابل توجه اینک ۹ نفر از  
 بقیه در صفحه ۱۹

جهاد دانشگاهی ، انجمنهای اسلامی و امور تربیتی مدارس باید منحل بشوند